

مادران ائمه اطهار علیهم السلام

دکتر نيله غروي نائيلي*

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

فرزند وارث مادر و پدر است و این دو، الگو و سرمشق زندگی او به شمار می‌روند؛ خصلت‌ها و خوی‌ها را از ایشان به ارث می‌برد و در زندگی چگونه زیستن را از آنها می‌آموزد. از این رو، چنانچه ایمان، درستی، صداقت و پاکی ملکه وجود پدر و مادر باشد، فرزند آنها نیز انشاءالله همان‌گونه خواهد بود.

دوازده امام معصوم شیعیان علیهم السلام از نسل پاک و طاهر به دنیا آمدند و هر یک علاوه بر عصمت و علم، از شایستگی‌های فراوانی برخوردار بودند و به ویژگی خاصی شهرت داشتند. پدران این بزرگواران امام و اسوه بودند، لکن مادرانشان از خاندان‌های گوناگون و از ملیت‌های مختلف. شرح حال این بانوان نشان می‌دهد که ایشان در صفات و شایستگی‌ها همانند یکدیگر بودند؛ صفاتی همچون پاکی، طهارت، عبودیت و خلوص در ایمان. این مقاله به معرفی این بزرگواران می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: مادران، ائمه علیهم السلام، طهارت.

مقدمه

آیه ۳۳ سوره احزاب اهل بیت پیامبر ﷺ را فاقد هرگونه آلودگی دانسته، آنان را طاهر و مطهر معرفی می‌کند. ائمه اطهار علیهم‌السلام که مصداق بارز اهل بیت پیامبر ﷺ هستند، در رحم‌های پاک و دامن‌های فضیلت و تقوا پرورش یافتند و بسیاری از شایستگی‌های آنان را به ارث بردند؛ چراکه فرزند آینه تمام‌نمای والدین خود است. پدر یازده تن از این بزرگواران امام بوده و از مادران نجیب و عابد و شایسته پا به این دنیا نهادند. این مقاله به معرفی مادران این بزرگواران پرداخته و در حد امکان فضایل و شایستگی‌های ایشان را بیان کرده است. این بانوان ارجمند که همگی از طاهرترین و پاکدامن‌ترین زنان جهان اسلام و بلکه بشریت بوده‌اند، عبارتند از: فاطمه بنت اسد، فاطمه بنت رسول الله ﷺ، شهربانو، فاطمه بنت حسن علی، ام فروه، حمیده، نجمه، خیزران، سمانه، سوسن و نرجس. امید است زنان مسلمان با پیروی از این بزرگ بانوان جهان اسلام، در اطاعت از حق تعالی و پاکی و صداقت و ایمان و پرهیزگاری مادرانی نمونه برای فرزندان و جامعه خویش باشند.

۱. فاطمه بنت اسد هاشمی، مادر امیرالمؤمنین علی

فاطمه، دختر اسد بن هاشم بن عبد مناف قریشی هاشمی، و مادرش فاطمه بنت هرم بن رواحه بن حجر... بن لوی است. همسرش ابوطالب بن عبدالمطلب، عموی رسول الله ﷺ، است و پسرانش طالب، عقیل، جعفر و علی، و دخترانش جُمّانه، ام هانی و رَیْطَه می‌باشند.

فاطمه بنت اسد در مدینه در سال چهارم هجری از دنیا رفت و در بقیع مدفون گردید. مراسم تدفین وی را ابن اثیر، طبرانی و کلینی ضمن نقل خبری روایت کرده‌اند که خلاصه مضمون آن چنین است: پس از غسل فاطمه بنت اسد، رسول خدا ﷺ

پیراهن زیرین خویش را داد تا او را کفن کنند، سپس جنازه را بر دوش حمل کرد تا به کنار قبر رسید. پیامبر ﷺ در قبر فاطمه دراز کشید و پس از آن جنازه را در قبر گذاشت و فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّهَا إِيَّاكَ» (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۵۱۷ / طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۴، ص ۳۵۱ / کلینی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۴۵۳)؛ خدایی جز الله نیست، بار خدایا او را نزد تو امانت گذاشتم.

ام المؤمنین فاطمه بنت اسد دارای فضیلت‌ها و صفت‌های بی‌شماری است؛ از این رو، برای رعایت اختصار به برخی از آنها اکتفا می‌شود. او تنها بانویی بود که برای وضع حملش دیوار خانه خدا برایش شکافته شد و کعبه او را پناه داد. فاطمه، مادر ولی رسول خدا ﷺ، علی مرتضیٰ ﷺ و بلکه مادر ائمه اثنا عشر است. پس از رحلت عبدالملک، که سرپرستی محمد ﷺ به ابوطالب (همسر فاطمه) واگذار شد، او در حق پیامبر ﷺ مادری کرد و آن حضرت را بر فرزندان خود مقدم داشت. زمانی هم که خدیجه ﷺ از دنیا رفت و فاطمه زهرا ﷺ خردسال بود، فاطمه بنت اسد از زهرا ﷺ مراقبت کرد. وی نخستین زنی است که پس از حضرت خدیجه ﷺ مسلمان شد و اولین بانویی است که با پای پیاده هجرت کرد و در مدینه بر رسول خدا ﷺ وارد شد. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۵۳ / مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۸۰) فاطمه بنت اسد اولین زن هاشمی* است که فرزند هاشمی به دنیا آورد. کلینی حدیثی به اسناد خویش از مفضل بن عمر نقل می‌کند که گفت: از امام صادق ﷺ شنیدم که فرمود: وقتی رسول خدا ﷺ متولد شد، سفیدی کنگره‌های قصر مملکت فارس و کاخ‌های شام برای آمنه (مادرش) نمایان شد. فاطمه بنت اسد، خندان نزد ابوطالب رفت و آنچه را آمنه گفته بود به او خبر داد. ابوطالب گفت: تعجب کردی؟ تو نیز وصی و وزیر او را حامله خواهی شد و به دنیا می‌آوری. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۵۴، کتاب الحجة)

* هاشمی به فردی اطلاق می‌شود که مادر و پدرش هر دو از بنی هاشم باشند.

این حدیث دلیل روشنی بر علم و ایمان ابوطالب به پیامبری حضرت رسول ﷺ و وصی آن حضرت (امیرالمؤمنین) است. اینکه برخی گفته‌اند ابوطالب ایمان نیاورد و مشرک از دنیا رفت، کلامی بیهوده است. ابوطالب برای حمایت از رسول الله ﷺ در برابر بزرگان قریش و مشرکان در ظاهر اقرار به اسلام نکرد.

رسول خدا ﷺ به دیدن فاطمه، مادر علی علیه السلام، می‌رفت و در خانه‌اش استراحت می‌کرد و او را بسیار احترام و تعظیم می‌نمود. (کاتب واقدی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۲۲) به هر حال، او بانویی است که پیغمبر ﷺ پیراهن خویش را کفن وی قرارداد و او را به خاک سپرد. پس از پایان مراسم، از پیامبر ﷺ سؤال شد: نماز و احترامی به کار بردید که برای کسی تاکنون نکردید؟! حضرت فرمود: امروز نیکوکاری ابوطالب از دست رفت. فاطمه اگر چیز خوبی نزدش بود، مرا بر خود و فرزندانش مقدم می‌داشت. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۵۳) من از روز قیامت یاد کردم و گفتم: مردم برهنه محشور شوند. او گفت: وای از این رسوایی! من ضامن شدم که خدا او را با لباس محشور کند، و از فشار قبر یادآور شدم. او گفت: وای از ناتوانی! من ضمانتش کردم که خدا او را کفایت کند. از این رو، او را در پیراهن کفن کردم و در قبرش خوابیدم و سر به گوشش گذاردم و آنچه از او می‌پرسیدند تلقینش کردم. چون از او درباره پروردگارش پرسیدند پاسخ داد؛ و چون از پیامبرش پرسیدند، جواب گفت؛ لکن چون از ولی و امامش سؤال کردند، زبانش به لکنت افتاد؛ من گفتم: پسرت، پسرت. (همان، کتاب الحجة) جبرئیل علیه السلام به رسول الله ﷺ خبر داد که فاطمه بنت اسد اهل بهشت است. آن حضرت برای فاطمه بنت اسد به درگاه الهی چنین دعا فرمود: «اللهم اغفر لأمی فاطمه بنت أسد، ولقنها حَبَّتْها، ووسع علیها مدخلها، بحق نبيک محمد و الأنبياء الذين من قبلی، فانک أرحم الراحمين» (ابونعیم، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۲۱)؛ پروردگارا، مادرم فاطمه دختر اسد را بیامرز و حجتش را به او بنما و محل ورودش را بر او فراخ گردان، به حق پیامبرت محمد و

پیامبرانی که قبل از من بودند. به درستی که تو بخشنده مهربانی.

ابن سعد، سیره نویس مشهور قرن سوم هجری، درباره فاطمه بنت اسد می نویسد: «بانویی صالح بود و رسول خدا ﷺ به ملاقاتش می رفت و در خانه اش خواب قیلوله می کرد.» (کاتب واقدی، بی تا، ج ۸، ص ۲۲)

ابن عبدالبر، از علمای قرن پنجم هجری، او را این گونه معرفی کرده است: «مادر علی بن ابی طالب و برادرانش است.» (ابن عبدالبر، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۹۱، ح ۳۴۸۵) این تعریف نشانه ارزش و مقام این بانوست که او را با نام علی علیه السلام توصیف کرده است.

عمر رضا کحاله، از نویسندگان معاصر، می گوید: «فاطمه بنت اسد» از روایان حدیث پیامبر ﷺ است که ۴۶ حدیث از آن حضرت روایت کرده است. صحیح بخاری و صحیح مسلم حدیث مشترکی از وی نقل کرده اند. وی بانویی صالح و متدین بود. (کحاله، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۳۳) علامه مامقانی این بانوی گرامی را از روایان حدیث برشمرده و شرح حالی از او و کلمات پیامبر اکرم ﷺ در مراسم تدفین وی ذکر کرده است. (مامقانی، ۱۳۵۲ ق، ج ۳، ص ۸۱)

احادیث: سید بن طاووس می نویسد: در کتابی قدیمی به نام الابواب الدامغه، که تألیف ابو بشر احمد بن ابراهیم بن احمد العمی است مطلبی دیدم بدین مضمون: «قَالَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدٍ: فَلَمَّا أَمْلَقَ ابُوطَالِبٍ جَاءَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالْعَبَّاسُ، فَأَخَذَا مِنْ عِيَالِهِ اثْنَيْنِ بِالْقَرْعَةِ، فَصَارَ سَهْمُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَصَارَ مَعَهُ وَلَهُ، وَانْشَأَ وَرَبَّاهُ، فَأَخَذَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُلُقِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهَدْيِهِ وَسِيرَتِهِ، وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِهِ وَصَدَّقَهُ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق، ص ۹۶)؛ فاطمه بنت اسد گفت: هنگامی که ابوطالب در اثر بخشش همه اموالش فقیر شد، رسول خدا ﷺ و عباس آمدند و از فرزندان او دو تن را با قرعه انتخاب کردند. علی علیه السلام سهم رسول خدا ﷺ شد و با آن حضرت رفت. پیامبر ﷺ او را تربیت نمود و پرورش داد. علی به سیره و روش و هدایت رسول

الله ﷺ متخلق گردید. راه و روش آن حضرت را در نظر داشت و اول کسی بود که به آن حضرت ایمان آورد و رسالت آن جناب را تصدیق کرد.

مادر امام علی علیه السلام نقل می‌کند: در حیاط خانه‌ام درخت بی بری بود که خشک شده بود. پیامبر ﷺ نزد آن درخت رفت، دستی به آن کشید. درخت سبز شد و بار خرما برداشت. هر روز برایش در سبد خرما جمع می‌کردم. هنگام شدت نور ظهر می‌آمد و می‌گفت: مادر! دیوان عسکر را بده. سبد را می‌گرفت و می‌رفت و خرما را میان بچه‌های بنی هاشم قسمت می‌کرد. پس از مدتی آمد و گفت: مادر دیوان عسکر را بده. گفتم: فرزندم بدان که درخت امروز خرما نداده. مادر علی بن ابی طالب گفت: قسم به حق، نور سیمایش را دیدم. به طرف درخت رفت، با کلماتی سخن گفت. درخت متمایل شد، به سر او رسید و هر مقدار خرما خواست چید. سپس درخت به جای خود بازگشت. به این سبب امروز گفتم: «اللهم رب السماء ارزقني ولداً ذكراً يكون أحماً لمحمد. ففي تلك الليلة واقعتني أبو طالب فحملت بعلی بن ابی طالب فرزقته، فما كان يقرب صنماً ولا يسجد لوثن، كل ذلك ببركة محمد ﷺ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۳۳۶)؛ بار خدایا! فرزند پسر به من عطا کن که برادر محمد شود. پس در آن شب به علی بن ابی طالب حامله شدم. علی به بت نزدیک نشد و بر بتی سجده نکرد. همه این به برکت محمد ﷺ بود.

۲. فاطمة الزهراء علیها السلام، مادر حسنین علیهما السلام

فاطمه علیها السلام دختر محمد بن عبدالله، رسول خدا ﷺ و مادرش خدیجه علیها السلام بنت خویلد، مادر امام حسن و امام حسین علیهما السلام است. بنابر نقل علمای شیعه، وی ده روز مانده به آخر جمادی‌الآخر یا ده روز مانده به رجب (بیستم جمادی) سال پنجم بعثت متولد شد. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۶۱، باب مولد الزهرا) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برای آن حضرت

نزد خدای - عزوجل - نه نام است که عبارتند از: فاطمه، الصدیقه، المبارکه، الطاهره، الزکیه، الراضیه، المرضیه، المَحْدَثه و الزهراء. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۸ و ۱۰ / ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۱۷۸ / طبری، ۱۳۶۹ ق، ص ۱۰) نام‌های دیگری از قبیل: البتول، الحصان، الحره، السیده، العذراء، الحوراء، مریم الکبری، الصدیقه الکبری، النوریه، السماویه و الحانیه نیز برای آن حضرت ذکر شده و کنیه‌های ایشان را اُم‌الحسن، اُم‌الحسین، اُم‌المحسن (اُم‌المحیسن)، اُم‌الائم و ام‌اینها بیان کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۱۶)

فاطمه علیها السلام پنج ساله بود که مادر گرامی‌اش از دنیا رفت و محزون گردید. مراقبت از وی را فاطمه بنت اسد به عهده گرفت. این دو به همراه علی علیه السلام و تنی چند از مسلمانان از مکه به مدینه هجرت نمودند. پس از رحلت فاطمه بنت اسد در سال چهارم پس از هجرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله امور فاطمه علیها السلام را به ام سلمه واگذار کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به خواستگاری ابوبکر و عمر و اشخاص دیگر از فاطمه علیها السلام جواب رد می‌داد و می‌فرمود: منتظر حکم الهی هستم. ابوبکر و عمر، علی بن ابی‌طالب علیه السلام را به خواستگاری زهرا علیها السلام تشویق کردند. آن حضرت به سبب تهی‌دستی شرم داشت که نزد رسول الله صلی الله علیه و آله کلامی به زبان آورد. تا اینکه ملکی که دارای چندین وجه بود، بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: ای رسول خدا، خداوند - عزوجل - مرا مأمور فرموده که نور را به ازدواج نور درآورم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود چه کسی را؟ ملک گفت: فاطمه و علی را. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۶۱، کتاب الحجّه، باب مولد الزهراء / طبری، ۱۳۶۹ ق، ص ۱۹) سرانجام پس از جنگ بدر، در ماه‌های آخر سال دوم هجرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را با مهریه‌ای بسیار ساده و کم که بهای فروش زره علی علیه السلام (مبلغ ۴۸۰ درهم)* بود، به ازدواج امیرالمؤمنین درآورد. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۷۷، کتاب نکاح)

* معادل ۲۶۰ مثقال نقره و حدود ۱۲ اوقیه برابر مهریه اکثر همسران رسول الله صلی الله علیه و آله.

رسول الله ﷺ به علی علیه السلام فرمود: طعام نیکویی تهیه کن که ولیمه این ازدواج باشد، و فرمود: گوشت و نان نزد ما هست، تو خرما و روغن آماده کن. غذا تهیه شد و امیرالمؤمنین همه را به ولیمه فاطمه علیها السلام فراخواند. عده زیادی حاضر شدند، طعام کم بود و علی علیه السلام نگران و شرمزده. رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی! بیمناک نباش، خداوند برکت می‌دهد. چنین هم شد؛ همه خوردند و غذا کم نیامد. (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶ / محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۹۵ / کاتب واقدی، بی تا، ج ۸، ص ۲۰، وی اخباری درباره مهریه زهرا علیها السلام ذکر نموده است) حسن و حسین و زینب و ام کلثوم (کاتب واقدی، بی تا، ج ۸، ص ۲۶) ثمره این ازدواج پربرکت می‌باشند و نسل رسول الله ﷺ فقط از فاطمه علیها السلام است. تا هنگامی که فاطمه علیها السلام در قید حیات بود، علی علیه السلام همسر دیگری اختیار نکرد. (طبری، بی تا، ج ۳، ص ۷۹) ابن سعد به سند خود از شبل بن علاء از پدرش نقل می‌کند: «وَأَنَّ النَّبِيَّ لَمَّا حَضَرَتِ الْوَفَاةُ بَكَتْ فَاطِمَةُ عَلَیْهَا السَّلَامُ. فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ: لَا تَبْكِي يَا بَنِيَّةُ. قَوْلِي: إِذَا أَنَا مِتُّ. أَنَا لِلَّهِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. فَإِنَّ لِكُلِّ إِنْسَانٍ بِهَا مِنْ كُلِّ مَصِيبَةٍ مَعْوِضَةٌ. قَالَتْ: وَ مِنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: وَ مِنِّي» (کاتب واقدی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۲)؛ هنگامی که زمان رحلت پیامبر ﷺ نزدیک شد فاطمه گریه کرد. رسول خدا به او فرمود: دخترم گریه نکن. هنگامی که من از دنیا رفتم، بگو: انا لله و انا الیه راجعون. به درستی که برای هر انسانی در برابر هر مصیبتی عوض (پاداشی) هست. فاطمه عرض کرد: از مصیبت شما هم؟ حضرت فرمود: از مصیبت من هم.

در ماه‌های اول سال یازدهم هجرت، روح مبارک رسول الله ﷺ به ملکوت اعلی پیوست و غم و اندوه جهان به فاطمه علیها السلام روی آورد. ظلم و ستمی که پس از رسول خدا ﷺ بر فاطمه علیها السلام وارد شد، مطلبی است که علمای شیعه و اکثر بزرگان اهل سنت در کتاب‌هایشان به آن اشاره کرده‌اند. بر اساس اعتراف دانشمندان عامه و گفتار

علمای شیعه، رسول خدا ﷺ در زمان حیات خود فدک* را به فاطمه علیها السلام بخشید و آن سرزمین مدت سه سال در تصرف زهرا علیها السلام بود. پس از رحلت پیامبر ﷺ ابوبکر در آغاز خلافت خود فدک را تصرف نمود. وی در پاسخ به اعتراض فاطمه علیها السلام این حدیث را بیان کرد: «نَحْنُ مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ لَا تُورَثُ مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةٌ»؛ ما پیامبران چیزی به ارث نمی‌گذاریم، آنچه به جای می‌گذاریم صدقه است. هیچ یک از اصحاب رسول الله ﷺ این حدیث را نقل نکرده‌اند و او در نقل این حدیث منفرد است. البته این حدیث به چند دلیل مردود است. (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸-۱۳۸۳ ق، ج ۱۹، ص ۲/ محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۶۲/ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۱۸۲)

طبری به سند خود از عروه و او از عایشه نقل می‌کند که گفت: «إِنَّ فَاطِمَةَ وَالْعَبَّاسَ أَتَيَا أَبَا بَكْرٍ يَطْلُبَانِ مِيرَاثَهُمَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُمَا حِينَئِذٍ يَطْلُبَانِ أَرْضَهُ مِنْ فَدَكٍ، وَ سَهْمَهُ مِنْ خَيْبَرٍ، فَقَالَ لَهُمَا أَبُو بَكْرٍ: أَمَّا إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: لَا تُورَثُ مَا تَرَكَنَا فَهُوَ صَدَقَةٌ. إِنَّمَا يَا كُلُّ آلِ مُحَمَّدٍ فِي هَذَا الْمَالِ وَإِنِّي وَاللَّهِ لَا أَدْعُ أَمْرًا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَصْنَعُهُ إِلَّا صَنَعْتُهُ. قَالَ: فَهَجَرْتُهُ فَاطِمَةُ. فَلَمْ تُكَلِّمْنِي فِي ذَلِكَ حَتَّى مَاتَتْ» (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۶)؛ فاطمه و عباس نزد ابوبکر آمدند و ارثی را که از رسول خدا ﷺ باقی مانده بود طلب کردند. آن دو زمین پیامبر در فدک و سهم خیبر آن حضرت را خواستند. ابوبکر به آنها گفت: من از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: ما ارث نمی‌گذاریم، آنچه می‌گذاریم صدقه است. همانا آل محمد از این مال استفاده می‌کنند. به خدا قسم! رها نمی‌کنم کاری را که رسول خدا ﷺ انجام داد، جز اینکه انجام دهم. راوی گوید: فاطمه از ابوبکر دوری گزید و هرگز با او صحبت نکرد تا از دنیا رفت.

* فدک قریه‌ای نزدیک مدینه و شامل چندین باغ و بستان بوده است. در فتح خیبر مالکان آن بدون جنگ نصف آن را با رسول الله ﷺ صلح کردند که طبق قوانین اسلام چنین غنیمتی ملک خالص پیامبر ﷺ است.

این حدیث بر طبق حدیث/یوب بن حرّ که نقل کرده: «هر حکمی، به خدا و سنت ارجاع می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۹) ساختگی است.

قضیه سوزانیدن در خانه حضرت زهرا علیها السلام را علمای شیعه و برخی از بزرگان اهل سنت همچون ابن عبد ربّه مالکی مذهب، طبری، طبرانی، یعقوبی، ابن قتیبه، ابن ابی الحدید، شهرستانی و دیگران ذکر کرده‌اند. (ر.ک: ابن عبد ربّه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۶۳ و ج ۲، ص ۴۴۳ / ابن قتیبه الدینوری، ۱۳۲۲، ق، ص ۱۳ / طبرانی، ۱۴۰۴، ق، ج ۱، ص ۶۲ / یعقوبی، ۱۴۱۳، ق، ج ۲، ص ۱۲۶ / ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳، ق، ج ۲، ص ۲۰ / شهرستانی، ۱۳۶۷، ص ۵۷)

وفات (شهادت) حضرت زهرا علیها السلام

پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز خنده بر لبان زهرا علیها السلام دیده نشد. آن حضرت بیشتر گریان بود و پیوسته از ظلمی که بر امت اسلام می‌رفت، رنج می‌برد تا به خدای - عزّوجلّ - پیوست. هنگامی که در بستر بود به اسماء بنت عمیس فرمود: «زشت می‌دارم چگونگی حمل جسد زنان را»، اسماء گفت: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیا به شما نشان دهم آنچه را در زمین حبشه دیدم؟ آنگاه با برگ و شاخه‌های خرما تابوتی درست کرد و پارچه‌ای بر آن انداخت. فاطمه علیها السلام فرمود: «چه زیباییست!» و به اسماء سفارش کرد که در شستن بدن مبارکش به علی علیه السلام کمک کند و اجازه ندهد کسی وارد شود. (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۵۲۴)

حضرت زهرا علیها السلام به دنبال مبارزه‌اش علیه ظالمان و غاصبان تصمیم گرفت که اجازه ندهد بر وی نماز گزارند و از محل دفنش با خبر شوند؛ بنابراین، به همسرش وصیت کرد که عمر و ابوبکر را خبر نکند و اجازه ندهد بر او نماز گزارند، و بدن مطهرش را شبانه دفن کند. فاطمه علیها السلام می‌خواست مخفی بودن قبر دخت با عظمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در همه اعصار سوّالی باشد برای مسلمانان و گواهی باشد بر ظلم

ظالمان. آن حضرت فرمود که از اموالش به هر یک از همسران رسول خدا ﷺ و زنان بنی هاشم دوازده اوقیه* بدهند و مقداری هم برای امامت بنت ابی العاص (خواهر زاده اش) تعیین فرمود.

حضرت علی علیه السلام بر بدن مبارک فاطمه علیها السلام نماز گزارد و آن را شبانه دفن نمود. حسنین علیهم السلام و تنی چند از اصحاب خاص امیرالمؤمنین علی علیه السلام شاهد این ماجرا بودند. آن حضرت علی علیه السلام چندین قبر در بقیع ایجاد کرد تا قبر فاطمه علیها السلام بر ظالمان مشتبه شود و نتوانند آن را بیابند. گرچه امیرالمؤمنین و فرزندان زهرا علیها السلام و خواص اصحاب و ائمه اطهار محل دفن را می دانستند، اما به سبب سفارش مؤکد آن حضرت، حاضر نشدند آن را معرفی نمایند و پیوسته مخفی خواهد ماند تا هنگامی که فرزند گرامی اش قائم آل محمد ﷺ ظهور نماید و قبر مطهر آن حضرت را آشکار کند.

کلینی به سند خود از احمد بن محمد بن ابی نصر نقل می کند که گفت: «سَأَلْتُ الرَّضَاءَ عَنْ قَبْرِ فَاطِمَةَ عَافِيَةَ، فَقَالَ: دُفِنَتْ فِي بَيْتِهَا فَلَمَّا زَادَتْ بَنُو أُمِّیَّةَ فِي الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِي الْمَسْجِدِ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۶۱)؛ از امام رضا علیها السلام درباره محل قبر فاطمه علیها السلام سؤال کردم، فرمود: در منزلش دفن شد و هنگامی که بنی امیه مسجد (پیامبر) را بزرگ کردند، در مسجد قرار گرفت.

علما درباره زمان وفات حضرت زهرا علیها السلام در سال یازدهم هجری اختلاف دارند، و این اختلاف از چهل روز تا هشت ماه است. برخی گفته اند: «زهرا بعد از پدرش چهل روز زندگی کرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۴۳، ص ۱۹۹، ۲۱۲ و ۲۱۴) حاکم به نقل از عایشه روایت می کند که «میان وفات پیامبر ﷺ و فاطمه دو ماه فاصله بود.» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ق، ج ۳، ص ۱۶۳، کتاب معرفة الصحابة)

* اوقیه معادل هفت مثقال بوده است، امروزه متعارف ۷۱/۰ درهم است. شایان ذکر است که این مقدار، معادل مهریه همسران رسول الله ﷺ است.

ابن مَرِّیْدَه* گوید: «فاطمه بعد از پدرش هفتاد روز زیست.» (ابن عبدالبر، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۹۴) بعضی نوشته‌اند: «فاطمه ۷۵ روز بعد از رسول خدا ﷺ زندگی کرد.»
روایتی از امام صادق علیه السلام حاکی از ۷۵ روز بودن این فاصله است. (صفار قمی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۵۴، ج ۶) جماعتی نیز چنین نقل کرده‌اند: فاطمه علیها السلام سه ماه بعد از رسول الله ﷺ زنده بود. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۱۸۸) همچنین روایت شده است: «فاطمه بعد از رسول خدا ﷺ ۹۵ تا یکصد روز زنده بود.» (ابن عبدالبر، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۹۸ / ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ ق، ج ۱۲، ص ۴۲۲ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۱۸۸) از امام باقر علیه السلام و عایشه و محمد بن اسحق منقول است که فاطمه بعد از رسول خدا ﷺ شش ماه زیست.» (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۵۲۴ / ابن عبدالبر، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۹۴ و ۱۸۹۸ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۲۰۰ و ۲۱۴ / ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ ق، ج ۱۲، ص ۴۴۲ / کاتب واقدی، بی تا، ج ۸، ص ۲۸ / طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲، ص ۳۹۸) نیز نقل شده است که فاطمه علیها السلام هشت ماه پس از رسول الله ﷺ رحلت نمود. (ابن عبدالبر، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۹۴ و ۱۸۹۹) از عمرو بن دینار / ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵ ق، ج ۱۲، ص ۴۴۲

فضایل زهرا علیها السلام

درباره فضایل و ویژگی‌های حضرت فاطمه علیها السلام کتاب‌های بسیاری به رشته تحریر درآمده‌اند؛ اما صفات این بانوی گرامی چنان بی حد است که قادر به بیان آنها نیستیم و فقط می‌توانیم بگوییم: فاطمه علیها السلام مادر امام حسن و امام حسین علیهما السلام و به عبارتی، مادر یازده امام معصوم منتخب از جانب باری تعالی است. ویژگی‌های آن حضرت در فرزندانش نمود کرد. آن بانوی یکتا برای رضای الهی در خانه همچون خدمتکار به فرزندان و همسر خود خدمت می‌کرد، در اطاعت از خدا و رسولش در میان زنان

* هو عبدالله و اخوه سلیمان (عسقلانی، ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ص ۴۹۵).

بی‌نظیر بود و فرزندان خود را در دامن پاک و مطهرش با سخنان مهرآمیز و محبت‌آموز تربیت کرد. نحوه گفتار آن حضرت با حسنین علیهما السلام در حدیث شریف کساء مشهود است. در اینجا به طور خلاصه پرتوی از حقایق وجودی این یگانه گوهر عالم وجود را معرفی می‌کنیم:

حق تعالی و فاطمه علیها السلام؛ علامه مجلسی از کتاب خرائج نقل می‌کند: امام صادق علیه السلام فرمود: «انَّ خَدِيجَةَ لَمَّا تَوَفَّيْتُ جَعَلَتْ فَاطِمَةَ تَلُوذَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ تَدُورُ حَوْلَهُ وَ تَسْأَلُهُ: أَيْنَ أُمِّي فَجَعَلَ النَّبِيُّ ﷺ لَا يَجِيبُهَا. فَجَعَلَتْ تَدُورُ عَلَيَّ مِنْ تَسْأَلِهِ، وَ رَسُولُ اللَّهِ لَا يَدْرِي مَا يَقُولُ. فَنَزَلَ جِبْرِئِيلُ فَقَالَ: إِنَّ رَبَّكَ يَا مَرْكَ أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ السَّلَامَ وَ تَقُولَ لَهَا: إِنَّ أُمَّكَ فِي بَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ، كَعَابِهِ مِنْ ذَهَبٍ، وَ عَمَلُهُ مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرٍ، بَيْنَ أَسِيَةِ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۴۳)؛ هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام رحلت فرمود، فاطمه علیها السلام به پیامبر ﷺ نزدیک شد و دور آن حضرت می‌چرخید و می‌پرسید: مادرم کجاست؟ رسول خدا ﷺ پاسخ نمی‌داد. فاطمه علیها السلام همچنان به دور پیامبر ﷺ می‌گشت و آن حضرت نمی‌دانست چه پاسخ دهد. جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: پروردگارت می‌فرماید که بر فاطمه سلام برسان و به او بگو: مادرت در خانه‌ای از مروارید که دور آن طلاکاری است و از یاقوت قرمز آن را بنا کرده است در کنار آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران قرار دارد. سپس فاطمه علیها السلام فرمود: به درستی که حق تعالی خود سلام است و سلامت از اوست و سلامتی و امنیت از جانب اوست.

رسول الله ﷺ و فاطمه علیها السلام؛ ابن اثیر و طبرانی به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کنند که فرمود: پیامبر ﷺ به فاطمه علیها السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعَظْمِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكِ» (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۲۲ / طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۲)؛ خداوند با خشم تو خشمناک می‌شود و از رضایت تو خشنود می‌گردد. صدوق و مجلسی نظیر این حدیث

را به چند طریق نقل کرده‌اند. (همان، ص ۴۰۱ / ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۹ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۱۹، ۲۰ و ۲۲) نیز از آن حضرت علیه السلام نقل شده که فرمودند: «أَنَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنَى فَمَنْ أَغْضَبَهَا فَقَدْ أَغْضَبَنِي.» (قندوزی، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۱۶۹ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۳۹)

ابن اثیر آورده است که علی علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم که مرا بیشتر دوست می‌دارید یا فاطمه را؟ فرمود: «فَاطِمَةُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَيَّ مِنْهَا» (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۵۲۲)؛ فاطمه نزد من محبوب‌تر است و تو عزیزتری. زید بن ارقم گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام فرمود: «أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ وَسَلَمٌ لِمَنْ سَلَمْتُمْ» (همان)؛ هر که با شما جنگ داشته باشد، با او می‌جنگم و آشتی هستم با هر که با شما آشتی است. از ابن عباس روایت شده است: هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله عازم سفر بود با آخرین شخصی که خدا حافظی می‌کرد، فاطمه علیها السلام بود و پس از مراجعت اولین کسی را که ملاقات می‌کرد، زهرا علیها السلام بود. از عایشه نقل شده: هرگاه فاطمه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آمد، پیامبر در برابر او برمی‌خاست، به سمت او می‌رفت، سرش را می‌بوسید و جای خود را به او می‌داد و اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد فاطمه نمی‌رفت، او به پیشواز پیامبر می‌شتافت و یکدیگر را می‌بوسیدند و در کنار هم به گفت‌وگو می‌پرداختند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۴۰) اگر فاطمه علیها السلام نزد خدای متعال دارای مقام عظیم نبود، پیامبر صلی الله علیه و آله با او چنین رفتار نمی‌کرد. (همان / ابن عبدالبر، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۹۵ / ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۵۲۳)

ابن عباس و دیگران نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار خط بر روی زمین کشید و فرمود: آیا می‌دانید که این خطوط چیست؟ گفتند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. سپس فرمود: «برترین زنان بهشت خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم هستند.» رسول خدا صلی الله علیه و آله با عبارتی شبیه این گفتار

فاطمه (علیها السلام) و مادر گرامی اش خدیجه کبری (علیها السلام) را ستوده است؛ از جمله فرموده است: «خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ وَ خَيْرُ نِسَائِهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام)؛ بهترین زنان بهشت، مریم و فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله) هستند. «حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ وَ خَدِيجَةُ وَ فَاطِمَةُ وَ أَسِيَّةُ؛ بهترین زنان عالم، مریم، خدیجه، فاطمه و آسیه هستند. «سَيِّدَاتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ وَ فَاطِمَةُ وَ خَدِيجَةُ وَ أَسِيَّةُ؛ سرور زنان بهشت چهار تن هستند: مریم، فاطمه، خدیجه و آسیه. «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله)» (ابن عبدالبر، بی تا ج ۴، ص ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ / طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲، ص ۴۰۲ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۵۱ / محلاتی، ج ۱، ص ۲۱۸)؛ بهترین زنان بهشت چهار تنند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خطاب به حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود: «یا فاطمة أبشری فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اصْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلَى نِسَاءِ الْإِسْلَامِ وَ هُوَ خَيْرُ دِينٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۳، ص ۳۶)؛ فاطمه جان! بشارت ده که حق تعالی تو را بر زنان عالم و زنان اسلام برگزید که آن بهترین دین است.

امام صادق (علیه السلام) از پدرانش به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «هنگامی که روز قیامت فرا رسد، منادی از درون عرش ندا دهد: ای خلائق! چشم هایتان را بگیرید که دختر حبیب خدا به طرف قصرش می رود...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۶۲ / ابن اثیر، بی تا ج ۵، ص ۵۲۳ از علی (علیه السلام) / طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲، ص ۴۰۰)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بارها با عباراتی نظیر این عبارت می فرمود: «فاطمه پاره تن من و نور دیده من و میوه قلب من است؛ هر که به او بدی کند، به من بدی کرده و هر که او را مسرور گرداند، مرا شاد کرده است. او اولین فرد از خاندان من است که به من ملحق می شود.» و درباره فاطمه و همسر و فرزنداناش فرمود: «بار خدایا! می دانی که اینان

اهل بیت من و عزیزترین افراد نزد من هستند. پس دوست بدار هر که ایشان را دوست می‌دارد و دشمن بدار هر که ایشان را دشمن بدارد و یاری فرما هر که ایشان را یاری نماید و...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۳، ۲۴ و ۳۹ / کحاله، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۲۵) عمرین خطاب از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که فرمود: «فَاطِمَةُ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فِي قُبَّةٍ بَيْضَاءَ سَقَفُهَا عَرْشُ الرَّحْمَنِ عَزَّوَجَلَّ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۷۶)؛ فاطمه، علی، حسن و حسین در بهشت در زیر قبه سفیدی هستند که عرش خداوند سقف آن است.

مقام زهرا (ع)

امام صادق (ع) فرمود: «اگر امیرالمؤمنین (ع) با زهرا (ع) ازدواج نمی‌کرد، کسی هم کفو او تا قیامت بر روی زمین نبود.» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۶۱، کتاب الحجّة، باب مولد الزهرا / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۰ / ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۸، جبرائیل) آن حضرت همچنین فرمود: «فاطمه، زهرا نامیده شد؛ زیرا خداوند - عزّوجلّ - او را از نور عظمتش خلق کرد. هنگامی که این نور درخشید و آسمان‌ها و زمین را روشن کرد، چشمان ملائکه بسته شد و به سجده الهی افتادند، گفتند: بار الها و سید ما! این نور چیست؟ خداوند به ایشان وحی فرمود: این نوری از نور من است که در آسمان من جای دارد. آن را از عظمت خود بیرون آورده، در صلب پیامبری از پیغمبرانم که از همه برتر می‌دارمش قرار می‌دهم و از آن نور، امامانی خواهند آمد که قائم به امر من هستند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۲، ۱۴ و ۱۵)

از امام صادق (ع) سؤال شد: چرا فاطمه، زهرا نامیده شد؟ فرمود: زیرا هنگامی که در محرابش می‌ایستاد، نورش برای اهل آسمان چنان می‌درخشید که گویی درخشش ستارگان برای اهل زمین است. (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۱)

یونس بن یزید بن طایان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می‌دانی که تفسیر فاطمه چیست؟ گفتم: ای آقای من! مرا خبر کن که چرا فاطمه نامیده شد؟ فرمود: از شرک در امان و محفوظ است. (طبری، ۱۳۶۹ ق، ص ۱۰)

نیز از آن حضرت علیه السلام نقل شده که فرمود: «سَمِيَتْ فَاطِمَةُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فُتْنَادِيهَا كَمَا كَانَتْ تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ: يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاضْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (همان، ص ۱۱)؛ فاطمه محدثه نامیده شد؛ زیرا فرشتگان از آسمان فرود می‌آمدند و همچنان که مریم را ندا می‌دادند، او را ندا می‌دادند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و مطهر کرد و از میان زنان عالم تو را برگزید.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا فَاطِمَةُ أَتَدْرِينَ لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ؟ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام: يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سُمِّيَتْ؟ قَالَ: لِأَنَّهَا قَطِمَتْ هِيَ وَشِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۷۹)؛ ای فاطمه! می‌دانی که چرا فاطمه نامیده شدی؟ علی علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا، چرا نامیده شد؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: زیرا او و شیعیانش از آتش مصون هستند.

ابن ابی الحدید گوید: ازدواج علی علیه السلام با آن حضرت زمانی رخ داد که خداوند به شهادت ملائکه آنها را به ازدواج یکدیگر درآورد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ ق، ج ۹، ص ۱۹۳)

قرآن و فاطمه علیه السلام

شأن نزول آیاتی از قرآن کریم درباره حضرت زهرا علیه السلام در تفاسیر بیان شده است؛ از جمله اهل سنت و جماعت متفقند که سوره هل اتی (الانسان) درباره فاطمه علیه السلام و همسر و پسرانش علیهم السلام نازل گردیده است. (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۶۷۰ / طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۱۱ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۵، ص ۲۳۷-۲۵۷)

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مباحله با اهل کتاب حاضر شد، آیه شریفه زیر

نازل شد: ﴿... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ﴾ (آل عمران: ۶۱)؛ بگو بیایید فرزندانمان و فرزندان شما، و زنان ما و زنان شما، و خود ما و خود شما را بخوانیم ... آنگاه رسول خدا ﷺ فاطمه و علی و حسنین را همراه برد و فرمود: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي.» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۱۵ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۵، ص ۲۵۷-۲۷۱) رسول الله ﷺ کسی از همسران خویش را نبرد، بلکه از میان زنان فقط فاطمه را همراه برد؛ بنابراین، فاطمه مصداق «نسانا» بود.

زهرا را از اهل بیت پیامبر ﷺ است؛ آنجا که قرآن درباره‌شان می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳)؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و پاکیزه سازد. این آیه بیانگر عصمت آن حضرت است. احمد بن حنبل به ده سند نقل کرده که این آیه درباره اهل بیت پیامبر ﷺ، یعنی فاطمه و شوهر و فرزندان نازل شده است. طبرانی از آنس نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ بارها این آیه را در حق فاطمه و خانواده‌اش تکرار نمود. عطاء بن یسار از ام سلمه روایت می‌کند: هنگامی که پیامبر و اهل بیتش زیر کساء (عبا) قرار داشتند، توسط جبرئیل این آیه در حقشان نازل شد. من عرض کردم: یا رسول الله ﷺ، من از اهل بیت شما نیستم؟ فرمود: «ای ام سلمه، عاقبت تو به خیر است.» (طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲، ص ۴۰۲ / ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۵۲۱ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۵، ص ۲۰۷-۲۲۶ / ابن الریبع الشیبانی، بی تا، ج ۳، ص ۲۵۹ / ابن عبد البر، بی تا، ج ۳، ص ۳۷) بیضاوی نیز آورده است: روزی که اهل بیت رسول الله ﷺ زیر کساء جمع شدند، این آیه نازل شد. (بیضاوی، ۱۳۸۸ ق، ج ۲، ص ۲۴۵) سیوطی نیز به نقل از ام سلمه می‌گوید این آیه درباره این خاندان نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۱۹۸)

عبادت زهرا علیها السلام

امام حسن علیه السلام فرمود: «مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أُعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ علیها السلام، كَأَنْتِ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمَ قَدَمَاهَا»؛ در دنیا کسی عابدتر از فاطمه علیها السلام نبوده است؛ آنقدر (در عبادت) می ایستاد که پاهایش ورم می کرد. همچنین آن حضرت فرمود: «مادرم فاطمه در محرابش بسیار عبادت می کرد و شنیدم که پیوسته برای همه مردان و زنان مؤمن دعا می کرد جز برای خویشان...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۷۶ و ۸۲ / محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۷۹)

قناعت و تحمل سختی

هرگاه مستمندی به در خانه فاطمه می رفت، آن حضرت نیاز او را در حد امکان برطرف می کرد، تا حدی که قرص نان، قوت خود و خانواده اش را می بخشید و خود گرسنه می ماند. مرحوم مجلسی از جابر بن عبد الله نقل می کند که گفت: با رسول خدا صلی الله علیه و آله بر فاطمه علیها السلام وارد شدیم؛ صورتش زرد بود. پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: چرا صورتت زرد است؟ گفت: ای رسول خدا، از گرسنگی. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: بار خدایا! گرسنگی او را سیر گردان و سختی آن را از او بگیر. جابر گوید: به خدا قسم بعد از دعا، صورت فاطمه قرمز شد و بعد از آن روز دیگر گرسنه نشد. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۶۲)

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و مردم در مسجد منتظر بلال مؤذن بودند. هنگامی که بلال آمد، رسول الله صلی الله علیه و آله پرسید: چه شد که دیر آمدی؟ بلال گفت: برای دادن طلب فاطمه رفتم، وی در حال آرد کردن بود و فرزندش حسن در کنار آسیاب گریه می کرد. گفتم: کدام کار را برایت انجام دهم؛ بچه را بگیرم یا آرد کنم؟ فرمود: من بچه را به عهده می گیرم. پس آسیاب را از وی گرفتم، به این سبب دیر آمدم. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «به او رحم کردی، خدا به تو رحم کند.» (همان، ص ۷۶)

کارهای سنگین خانه، آرد کردن و نان پختن، دستهای زهرا علیها السلام را آزرده بود.

امیرالمؤمنین علیه السلام به وی فرمود که نزد رسول الله صلی الله علیه و آله برو و خدمتکاری طلب نما. فاطمه علیها السلام ناچار نزد آن حضرت رفت و پس از مدتی درنگ، خواسته خویش را بر زبان آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برای آنکه فضیلتی از تو فوت نشود، ذکر و تسبیحی به تو تعلیم می‌دهم که کمک و ثواب تو باشد» و تسبیحات فاطمه را به وی تعلیم فرمود. (همان)

سلمان گفت: «فاطمه مشغول آمد کردن جو بود و حسین از گرسنگی گریه می‌کرد. گفتم: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا از فضه کمک نمی‌گیری؟ زهرا علیها السلام گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است یک روز کار مال فضه و یک روز مال من، و او دیروز کار کرده است. (همان، ص ۲۸)

از آنچه گذشت، روشن می‌شود که رسول الله صلی الله علیه و آله با وجود شدت علاقه‌ای که به جگرگوشه و نور چشم خود داشت و تمام غنائیم و اموال و اسرا تحت فرمان آن حضرت بودند، چیزی از آن به زهرا علیها السلام نداد و او را به تقوا و ذکر خداوند تشویق فرمود و فاطمه علیها السلام هم پذیرفت. تسلیم امر پروردگار بودن و کسب رضایت او و رسولش، حاکی از نهایت ایمان و خلوص بندگی زهرا علیها السلام است. بارها پیش می‌آمد که چیزی برای خوردن در خانه یافت نمی‌شد و فاطمه علیها السلام گله و درخواستی از همسرش نمی‌کرد تا مبادا علی علیه السلام ناراحت و شرمنده شود. خداوند نیز به پاس این حرمت، طعام و میوه و لباس برای ایشان نازل می‌فرمود. (همان، ص ۵۹، ۶۸، ۷۳ و ۷۷) اخبار بخشش‌ها و از خودگذشتگی‌های زهرا علیها السلام چنان معروف و فراوان است که نیازی به ذکر تمام آنها نیست. (ر.ک: محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۵ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸۱)

فضایل و مناقب فاطمه علیها السلام آنقدر زیاد است که حتی عایشه نیز نتوانسته است از ذکر آنها خودداری کند. وی می‌گوید: «کسی را در گفتار و کلام شبیه‌تر از فاطمه به رسول الله صلی الله علیه و آله ندیدم.» هرگاه بر آن حضرت وارد می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله او را مورد لطف قرار می‌داد و به پیشوازش می‌رفت و در کنار او می‌نشست. عایشه می‌گوید: «کسی را

راستگوتر از فاطمه ندیدم، مگر فرزندانش را.» (ابن عبدالبر، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۹۶ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۲۵ و ۶۸)

از عایشه سؤال شد: چرا بر علی (ع) خروج کردی؟ گفت: «رها کن مرا. به خدا قسم، نزد رسول الله (ص) از مردان کسی محبوب‌تر از علی، و از زنان کسی محبوب‌تر از فاطمه نبود.» ابن عبدالبر و ابن اثیر به سند خود از جَمیع بن عَمیر نقل می‌کنند که گفت: از عایشه سؤال کردم، چه کسی نزد رسول الله (ص) محبوب‌تر از همه بود؟ گفت: فاطمه. گفتیم: از مردها؟ گفت: علی. (همان)

مصحف فاطمه (ع)

پس از رحلت رسول خدا (ص)، حزن و اندوه بر زهرا (ع) مستولی شد. جبرئیل نزد آن حضرت می‌آمد تا هم صحبت او شود و او را تسلی دهد و از احوال رسول الله (ص) و جایگاه ایشان و وقایعی که برای فرزندانش اتفاق خواهد افتاد، فاطمه (ع) را با خبر کند. علی (ع) آن گفتار را می‌نوشت و بدین ترتیب، «مصحف فاطمه» تهیه شد. این مصحف، قرآن و حلال و حرام آن نیست، بلکه علم وقایع آینده است. (کحاله، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۲۸)

ابو جعفر صفار به سند خود از ابو حمزه از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: در مصحف فاطمه چیزی از کتاب خدا (قرآن) نیست، بلکه در آن مطالبی است که پس از رحلت پدرش (ص) بر فاطمه (ع) القا گردید. (صفار قمی، ۱۴۰۴ ق، جزء الثالث، ص ۱۵۹)

اینکه در مدت زمان کوتاه جبرئیل (ع) بارها نزد زهرا (ع) آمده، مسئله ساده‌ای نیست. سراغ نداریم که جبرئیل در مدت زمان کوتاهی نزد کسی جز انبیای عظام آمده باشد. در مورد ائمه (ع) نیز وارد نشده که جبرئیل (ع) بر آنها نازل شده باشد. اما به دلیل وسعت روح فاطمه (ع)، میان روح او و جبرئیل تناسب برقرار بوده است. شاید این شرافت و فضیلت، بالاترین فضیلت برای آن حضرت باشد.

ثواب تسبیح فاطمه علیها السلام

کلینی چندین حدیث در ثواب و فضیلت تسبیح فاطمه علیها السلام آورده است؛ از جمله به اسناد خود از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «هر که تسبیح فاطمه زهرا را بگوید، قبل از آنکه پاهایش را از نماز واجب جفت کند، خداوند او را می‌بخشد.» از ابا عبدالله علیه السلام نیز روایت شده که فرمود: «خواندن تسبیح فاطمه بعد از هر نماز، نزد من از هزار رکعت نماز گزاردن بهتر است.» امام باقر علیه السلام هم می‌فرماید: «خداوند با چیزی حمد نشده که برتر از تسبیح فاطمه علیها السلام باشد، و اگر چیزی با فضیلت‌تر از آن وجود داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را به فاطمه علیها السلام عطا می‌کرد.» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۳۴۲ و ۳۴۳)

شفاعت فاطمه علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام دارای مقام شفاعت است، نویسنده تفسیر قرأت* به سند خویش از ابن عباس نقل می‌کند که از امیرالمؤمنین شنیدم که فرمود: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر فاطمه وارد شد و او از وقوف قیامت و روز محشر غمگین بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از چگونگی آن روز ما را خبر داد و در ضمن فرمود که جبرئیل علیه السلام می‌گوید: 'ای فاطمه، حاجت را بخواه.' می‌گوید: پروردگارم! شیعیانم. خداوند - عزوجل - می‌فرماید: آنها را آمرزیدم. فاطمه می‌گوید: شیعیان فرزندانم. خداوند می‌فرماید: آنها را بخشیدم. فاطمه می‌گوید: پروردگار! شیعه شیعیانم. خداوند می‌فرماید: برو که هر که به تو پیوسته، همه با تو در

* این تفسیر اثر فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، تفسیری روایی از ائمه علیهم السلام است و بیشتر روایات آن از حسین بن سعید کوفی اهوازی نزیل قم است که از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام بوده است. این تفسیر از مأخذ کتاب بحار الانوار است. (طهرانی، ۱۴۰۳، ق، ج ۴، ص

بهشت هستند...» (کوفی، بی تا ص ۱۷۲ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۲۲۵-۲۲۷)
 ابن عباس از رسول الله ﷺ نقل کرده که فرمود: «گویا دخترم فاطمه را می‌نگرم،
 در حالی که قیامت برپا شده و زنان مؤمن اتم را به بهشت رهبری می‌کند. پس هر
 زنی که نمازهای پنج‌گانه‌اش را بخواند و روزه ماه رمضان را بگیرد و در صورت
 استطاعت، حج برود و زکات مالش را بدهد و از همسرش اطاعت کند و پس از من
 علی را به امامت قبول داشته باشد، به شفاعت دخترم فاطمه وارد بهشت خواهد شد.»
 (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۲۹۱)

خطبه‌ها و سخنان فاطمه علیها السلام

سخنان کوبنده و خطبه‌های بیدارکننده زهرا علیها السلام در پاسخ به ظلم‌هایی که بر وی و امام
 و همسرش، علی علیه السلام روا داشتند و پایمال کردن حقوق ایشان و بی‌وفایی اهل مدینه
 نسبت به اهل بیت رسول الله ﷺ، چنان مشهور است که به‌رغم تلاش برخی از عامه
 در انکار و محو آن، همچنان بر تارک تاریخ می‌درخشد و بجز علما و مورخان شیعه،
 جمعی از بزرگان اهل سنت نیز آن را نقل کرده‌اند؛ از جمله:

ابن طیفور (از بزرگان اهل سنت) و ابن ابی الحدید (شارح نهج البلاغه) خطبه
 حضرت زهرا علیها السلام را در کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند. (ابن طیفور، ۱۳۶۱، ص ۲۳ / ابن
 ابی الحدید، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۸۷) ابن ابی الحدید از جوهری - از موثقین عامه - نقل کرده
 که این گفتار صحیح و ثابت است. سیوطی به نقل از ابن قتیبه گوید: این بیانات اصل
 است، و این نکته دال بر این است که این گفتار موضوعه نیست. (ر.ک: محلاتی، ۱۳۶۸، ج
 ۱، ص ۳۱۱، ۳۱۴ و ۳۳۳ و ج ۲، ص ۴۴) عمر رضا کحاله، خطبه زهرا علیها السلام را خطاب به ابوبکر
 و سخنان گله‌مندش از بی‌وفایی مردم، در پاسخ زنانی که به دیدارش آمده بودند، در

کتابش آورده است. (کحاله، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۱۷ و ۱۲۹)

فاطمه علیها السلام از راویان حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله است. هجده حدیث از آن حضرت روایت شده که صحاح سته* نیز آنها را نقل کرده‌اند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۳۵ ق، ج ۱۲، ص ۴۴۰ / کحاله، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۲۸) علی بن ابی طالب علیه السلام، حسن بن علی علیه السلام، حسین بن علی علیه السلام، فاطمه بنت حسین علیه السلام (به صورت مرسل)، ام سلمه، سلمی ام رافع، عایشه و انس بن مالک از فاطمه علیها السلام نقل حدیث کرده‌اند.

نمونه احادیث منقول از حضرت زهرا علیها السلام

طبرانی به سند خویش از امام حسین بن علی علیه السلام از مادرش فاطمه علیها السلام روایت می‌کند که فرمود: «خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَشِيَّةَ عَرَفَةَ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ وَفَقَرَكُمْ عَامَّةً وَلِعَلِّي خَاصَّةٌ، وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُحَابِّ لِقَرَابَتِي، هَذَا جَبْرِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ، وَأَنَّ الشَّقَى كُلَّ الشَّقَى مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ» (طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲، ص ۴۱۵)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله شب عرفه بر ما وارد شد و فرمود: خداوند به همه شما مباحثات می‌کند و همه شما، به‌ویژه علی را می‌بخشد. این را به سبب اینکه فرستاده خداوند به سوی شما هستم می‌گویم نه به سبب علاقه خویشاوندی. این جبرائیل است خبر می‌دهد که: سعید به تمام معناست هر که علی را در حیات و مماتش دوست بدارد، و شقی (بدبخت) به تمام معناست هر که علی را در حیات و بعد از موتش دشمن بدارد.

طبرانی به سند خود از عکرمه از ابن عباس از فاطمه علیها السلام روایت کند که رسول

* صحاح سته، شش کتاب حدیث اهل سنت و جماعت است که فقها و اصحاب حدیث بر آن اعتماد دارند و عبارتند از: الجامع الصحيح (بخاری)، صحيح مسلم، سنن ابن ماجه، سنن ترمذی، سنن ابو داوود و سنن نسائی.

خدا ﷺ فرمود: «إِنَّهُ قَدْ نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسِي؛ فَبَكَتْ. فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَبْكِي فَإِنَّكَ أَوَّلُ أَهْلِي لَاحِقًا بِي. فَقَالَ (ابْنُ عَبَّاسٍ) لَهَا: رَأَيْتُكَ بَكَيتِ وَ ضَحَكْتَ. قَالَتْ: إِنَّهُ قَالَ لِي: نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسِي. فَبَكَيتُ؛ فَقَالَ: لَا تَبْكِي فَإِنَّكَ أَوَّلُ أَهْلِي لَاحِقًا بِي؛ فَضَحِكْتُ» (همان)؛ خبر رحلتم به من داده شد. فاطمه گریه کرد. رسول خدا ﷺ فرمود: گریه نکن! تو اولین کسی هستی که به من ملحق می‌شوی. ابن عباس گوید: به او [فاطمه] گفتم: دیدم گریه کردی، و سپس خندیدی. فاطمه گفت: پیامبر ﷺ به من فرمود: زمان رحلتش فرا رسیده، من گریه کردم. فرمود: گریه نکن، تو اولین کسی هستی که به من می‌پیوندى، و من خندیدم.

کاندله‌لوی گفتار فاطمه علیها السلام را بعد از دفن رسول الله ﷺ به آنس در کتابش ذکر کرده است. (کاندله‌لوی، ۱۳۹۴ ق، ج ۲، ص ۴۳۵) ابن اثیر به نقل از فاطمه بنت حسین علیها السلام از فاطمه علیها السلام روایت می‌کند که فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ وَقَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَإِذَا خَرَجَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ وَقَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۵ ص ۵۲۴ / طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲، ص ۴۲۳)؛ رسول خدا ﷺ هرگاه وارد مسجد می‌شد بر محمد صلوات و درود می‌فرستاد و می‌فرمود: پروردگارا! گناهانم را ببخش و درهای رحمت را به رویم بگشای. و هرگاه خارج می‌شد، می‌فرمود: بار خدایا! گناهانم را ببخش و درهای فضل را به رویم باز کن.

احمد بن حنبل، طبرانی و مجلسی از راویان فاطمه علیها السلام روایاتی نقل کرده‌اند که برای اختصار از ذکر احادیث خودداری می‌شود. (مسند، بی‌تا، ج ۶ ص ۷۷، ۲۸۲، ۲۸۳ و ۲۴۰ / طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲، ص ۳۹۷-۴۲۴ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۶، ص ۳۵۱ و ۳۵۲ / قندوزی، ۱۳۸۵ ق، ص ۴۰)

۳. شهربانو، مادر علی بن الحسین علیه السلام

شهربانویه دختر (نواده) یزدگرد بن شهریار بن شیرویه بن کسری پرویز، مادر امام علی بن الحسین علیه السلام است که نام او را سلامه، جهان شاه، شاه زنان، سلافه، غزاله نیز ذکر کرده‌اند. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۸۸ / مفید، ۱۳۹۹، ق، ص ۲۵۳ / ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۷ / مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۴۶، ص ۷ و ۱۲ و ۱۳ / قهپایی، بی تا، ج ۷، ص ۱۸۶ / محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۲) شهربانو در پی شکست سپاه فارس از مسلمانان، به اسارت درآمد و نزد خلیفه مسلمین برده شد. سپس با حسین بن علی علیه السلام ازدواج کرد و امام علی بن الحسین علیه السلام را به دنیا آورد. شهربانو پس از ولادت امام زین العابدین (سال ۳۸ ق) در حال نفاس رحلت کرد (امین، ۱۴۰۳، ق، ج ۱، ص ۶۲۹ / محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۲) و در مدینه مدفون شد.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

فضایل

کلینی خبری از عمرو بن شمر از ابو جعفر امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که ترجمه آن چنین است: چون دختر یزدگرد را نزد عمر آوردند، دوشیزگان مدینه برای تماشای او سر می‌کشیدند و هنگامی که وارد مسجد شد، مسجد پر از نور شد. عُمَر به او نگریست، دختر روی خود را پوشاند و گفت: اف بیروج بادا هرمز.* عُمَر گفت: به من ناسزا می‌گوید؟ و قصد او نمود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حق بر او نداری، به او اختیار ده که خودش مردی را انتخاب نماید (و هر که را انتخاب کرد، او را سهم غنیمت آن مرد قرار بده). دختر، حسین علیه السلام را انتخاب نمود. امیرالمؤمنین به او فرمود: نامت

* کلمه اف در اینجا به معنای افسوس و آه است. بیروج معرب بیروز به معنای روزگار سیاه شدن است. معنای عبارت چنین است: افسوس که روز هرمز سیاه شد و روزگار به او پشت کرد، به طوری که فرزندان او به اسارت درآمدند.

چیست؟ گفت: جهان شاه، حضرت فرمود، بلکه شهربانویه باشد.* سپس به حسین فرمود: ای ابا عبدالله، این دختر بهترین شخص روی زمین را برای تو به دنیا خواهد آورد. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۶۶) در پذیرش این حدیث - به لحاظ راوی (عمرو بن شمس) و مطالبی در متن حدیث - تردید است.

در خبری که شیخ صدوق از امام رضا علیہ السلام نقل می‌کند آورده است: دختران (نوادگان) یزدگرد پس از اسارت نزد عثمان بن عفان فرستاده شدند، عثمان یکی را به امام حسن و دیگری را به امام حسین علیہ السلام اهدا کرد. (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۳۵)

شیخ مفید می‌نویسد: امیرالمؤمنین حرث بن جابر الحنفی را به ولایت بخشی از شرق برگزید. حرث، دختران (نوادگان) یزدگرد بن شهریار بن کسری را نزد علی علیہ السلام فرستاد. آن حضرت حسین علیہ السلام را به نکاح شاه زنان درآورد و دیگری را به نکاح محمد بن ابی بکر. (مفید، ۱۳۹۹، ق، ص ۲۵۳)

شهربانو، از بانوان بسیار نیکوکار، عابد، صالح و متقی بود که شرف و افتخار همسری سیدالشهدا، امام حسین علیہ السلام و مادری امام زین العابدین علیہ السلام را یافت. وی نزد خداوند متعال چنان مقام والا و شامخی داشت که به رغم نداشتن هادی و راهنما در دربار سلطنت مجوس و دور از تربیت اسلامی، به اسلام علاقه‌مند شد و به مهد اسلام و خاندان طهارت و عصمت پا گذاشت.

شهربانو مادر امام زین العابدین علیہ السلام از زنان راوی حدیث بوده است. (قهپایی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۷۶ / مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۸۰) سلافه، مادر علی بن الحسین، از زنان نیکو و خیر بود. (کحاله، ۱۴۰۴، ق، ج ۲، ص ۲۲۵)

* امیرالمؤمنین علی با این جمله نام او را تغییر داد و یا انتخاب این اسم را به او تلقین فرمود.

احادیث منقول از شهربانو

از شهربانو نقل شده که گفت: پیش از ورود لشکر مسلمانان بر ما، در خواب دیدم که محمد رسول الله ﷺ وارد خانه ما شد و نشست در حالی که حسین ﷺ همراه ایشان بود. ایشان مرا از پدرم خواستگاری کردند و پدرم مرا به ازدواج حسین ﷺ درآورد. هنگامی که صبح شد اثر این مطلب را در قلبم احساس کردم. در شب دوم فاطمه ﷺ دختر رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم. نزد من آمد و مرا به اسلام دعوت کرد. اسلام آوردم، سپس فرمود: مسلمانان پیروز می‌شوند و تو به زودی در سلامت به پسرم حسین می‌رسی و کسی به تو دسترسی نخواهد داشت. شهربانو می‌گوید: این گونه بود که به سوی مدینه رفتم. (میزد، ۱۹۷۰ م، ج ۲، ص ۹۳)

متأسفانه حدیث دیگری از شهربانو یافت نشد. بدون شک، وی که همسر امام بوده، مطلبی از کلام و یا فعل امام ذکر کرده، اما به دست ما نرسیده است.

۴. فاطمه (ام عبدالله) بنت حسن ﷺ

فاطمه دختر امام حسن بن علی ﷺ و همسر امام علی بن الحسین ﷺ، مادر امام محمد باقر ﷺ و خواهر حسن، حسین و عبدالله باهر است. کنیه‌اش ام عبدالله و مادرش ام ولد بود. وی به همراه همسرش امام زین العابدین ﷺ و فرزندش محمد باقر ﷺ همراه عموی بزرگوارش امام حسین ﷺ رهسپار کربلا شد و پس از آن در سلک اسیران به شام رفت و در تمام مصائب با سایر اهل بیت ﷺ شریک و سهیم بود. (مفید، ۱۳۹۹ ق، ص ۲۷۸ / علوی عمری، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۰ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۶،

فضایل

ما از ذکر فضایل فاطمه علیها السلام که یکی از بانوان علوی و هاشمی و از شجره طیبه رسالت و با شرافت و حیا و عفت و صاحب کرامات فراوان است ناتوانیم. از این‌رو، از گفتار فرزندان طاهرش کمک می‌گیریم. امام باقر علیه السلام درباره‌اش فرمود: «كَانَتْ أُمِّي قَاعِدَةً عِنْدَ جِدَارٍ فَتَصَدَّعَ الْجِدَارُ وَ سَمِعْنَا هِدَّةً شَدِيدَةً فَقَالَتْ يَبِيهَا: لَا وَحَقَّ الْمُصْطَفَى مَا أَوْذَنَ اللَّهُ لَكَ فِي السَّقُوطِ، فَبَقِيَ مُعَلَّقًا فِي الْعَجْوِ حَتَّى جَارَتْهُ، فَتَصَدَّقَ أَبِي عَنْهَا بِمِائَةِ دِينَارٍ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۶۹ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۲۱۵ و ۳۶۶)؛ مادرم در کنار دیواری نشسته بود، صدای شدیدی از دیوار به گوش رسید و می‌خواست بر زمین افتد. در آن هنگام، مادرم با دستش اشاره کرد و گفت: نه به حق پیامبر، خداوند به تو اجازه نمی‌دهد که سقوط کنی. دیوار در هوا معلق ماند تا او کنار رفت. پدرم صد دینار صدقه داد.

امام صادق علیه السلام نیز درباره ایشان می‌فرماید: «كَانَتْ صَدِيقَةً لَمْ تُدْرِكْ فِي آلِ الْحَسَنِ إِمْرَأَةً مِثْلَهَا» (همان)؛ بانویی راستگو و درستکار بود؛ زنی هم‌پایه او در خاندان امام حسن علیه السلام نبوده است.

فاطمه شاهد همه ظلم‌ها و مصیبت‌های وارد شده بر اهل بیت بود و با صبر و بردباری، بیماری و شکنجه‌های همسرش، شهادت عزیزان و اسارت زن‌ها و بچه‌ها و حقارت‌ها و توهین‌ها را ضمن حفظ حجاب متحمل می‌شد.

فاطمه که دختر امام، همسر امام و مادر امام بود، بی شک گفتاری درباره افعال یا کردار یکی از این سه امام داشته که متأسفانه به دست ما نرسیده است. او بانویی طاهر و مطهر بود.

۵. اُمّ قُرّوة، مادر امام صادق (ع)

فاطمه یا قریبه، دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر، مادر امام صادق (ع) بود. (علوی عمری، ۱۴۰۹ ق، ص ۹۴ / حلی، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۲۵) کنیه او ام فروه و ام قاسم، و مادرش اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر است و بدین ترتیب، وی هم از طرف مادر و هم از طرف پدر، فرزند زاده ابوبکر بود و در بقیع - در کنار فرزندش امام صادق (ع) و نیز امام باقر، امام زین العابدین و امام حسن (ع) و مادرش اسماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر - مدفون می باشد. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۷۲، کتاب الحجة / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۷، ص ۱)

فضایل

ام فروه بانویی عارف، صالح و در نهایت ورع و تقوا بود. امام صادق (ع) درباره اش فرمود: «كَانَتْ أُمِّي مِمَّنْ آمَنَتْ وَآتَتْ وَ أَحْسَنْتْ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۷۲، کتاب الحجة، باب مولد ابی عبدالله جعفر بن محمد (ع)؛ مادرم از ایمان آورندگان و متقین و نیکوکاران بود و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

محمد بن یحیی به سند خود از عبد الاعلی روایت کند که گفت: ام فروه را دیدم که با لباس (ظاهری) ناشناس دور کعبه طواف می کرد و حجرالاسود را با دست چپ استلام می نمود. یکی از مردانی که طواف می کرد به او گفت: ای بنده خدا! سُنَّت را اشتباه به جا آوردی. ام فروه گفت: ما از علم شما بی نیازیم. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۴۲۸، کتاب الحج / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۶، ص ۳۶۷)

برقی او را از راویان امام صادق (ع) شمرده است. (برقی، ۱۳۴۲، ص ۶۲ / خویی، بی تا، ج ۲۳، ص ۱۷۹) ام فروه در زمره زنان راوی ذکر شده و علامه مامقانی او را ثقه می داند؛ زیرا همواره با تقوا و نیکوکار بوده است. (مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۷۳، من فصل النساء) مسعودی می گوید: از پرهیزگارترین زنان زمان خویش بود و از علی بن

الحسین (علیه السلام) حدیث روایت می‌کرد. (مسعودی، بی تا، ص ۱۵۲) امام جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام) از ام فروه روایت کرده است.

حدیث: امام صادق می‌فرماید: مادرم از پدرم نقل می‌کند که فرمود: «یا اُمّ فَرْوَةَ، إِنِّي لَأَدْعُو اللَّهَ لِمُذْنِبِي شِبَعَتِنَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ مَرَّةٍ، لَأَنَّا نَحْنُ فِيْمَا يَنْوِينَا مِنَ الرِّزَايَا نَصِيرُ عَلَى مَا نَعْلَمُ مِنَ الثَّوَابِ وَهُمْ يُصِيرُونَ عَلَى مَا لَا يَعْلَمُونَ» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۲، کتاب الحجّة، باب مولد ابی عبدالله جعفر بن محمد (علیه السلام) / مسعودی، بی تا، ص ۱۵۳)؛ ای ام فروه! هر روز و شب هزار بار از خدا می‌خواهم که گناهان شیعیان ما را ببخشد؛ زیرا ما به سبب علمی که به ثواب داریم، در برابر مصائب و بلاها صبر می‌کنیم، در حالی که شیعیان ما بدون علم به آن، صبر می‌کنند.

۶. حَمِيدَةُ الْبَرْبَرِيَّةِ، مادر امام کاظم (علیه السلام)

حُمَيْدَةُ الْبَرْبَرِيَّةِ الْمَصْفَاة، دختر صاعد بربري اندلسی، لقبش لَوْلُوهُ، و کنیه‌اش ام محمد است. وی مادر موسی بن جعفر (علیه السلام)، اسحق و محمد (فرزندان امام صادق (علیه السلام)) است، که ام ولد بود. (مفید، ۱۳۹۹ ق، ص ۲۸۴ «۲۷۲ متن» و ۲۸۸ «۲۸۰ متن»)

فضایل

حمیده مادر امام موسی بن جعفر (علیه السلام) است. مرحوم کلینی از پدر عیسی بن عبدالرحمن سرگذشت ارتباط وی را با بیت عصمت و طهارت چنین نقل می‌کند: ابن عکاشه خدمت امام باقر (علیه السلام) بود و عرض کرد: چرا برای ابو عبدالله همسر نمی‌گیرید؟ در برابر امام (علیه السلام) کیسه پول سر به مهری بود؛ آن حضرت فرمود: به زودی برده فروشی از اهل بربر می‌آید و با این کیسه پول، دختری برایش می‌خریم.

دختر را خریداری کردند و نزد امام باقر (علیه السلام) آوردند. امام باقر (علیه السلام) خدا را حمد و ثنا

گفت، سپس به دختر فرمود: نامت چیست؟ گفت: حمیده. امام علیه السلام فرمود: حمیده باشی در دنیا و محموده (پسندیده) باشی در آخرت. به من بگو که دوشیزه هستی یا بیوه؟ دختر گفت: دوشیزه هستم... سپس امام علیه السلام به فرزندش، جعفر علیه السلام فرمود: با او ازدواج کن. پس از آن، بهترین شخص روی زمین، یعنی موسی بن جعفر علیه السلام متولد شد. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۷۷، کتاب الحجة، باب مولد ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام / مسعودی، بی تا، ص ۱۵۹)

آنچه ذکر شد، بیانگر میزان طهارت و پاکی حمیده است که خداوند متعال وی را برای پرورش و حمل مولودی پاک همچون امام کاظم علیه السلام برگزیده بود. امام صادق علیه السلام درباره اش فرمود: «حُمَيْدَةُ مُصَفَّاءٌ مِنَ الْاَذْنَانِ كَسَبِكَةَ الذَّهَبِ، مَا زِلْتَ الْاَمْلاَكُ تَخْرِسُهَا حَتَّى اُدْثِثَ اِلَيْكَ كَرَامَةٌ مِنَ اللّٰهِ وَ الْحُجَّةُ مِنْ بَعْدِي» (همان، ص ۴۷۶ / همان)؛ حمیده مانند شمش طلا از پلیدی ها پاک است. به سبب کرامتی که خداوند نسبت به من و حجت پس از من دارد، ملائکه همواره او را نگاهداری کردند تا به من رسید.

حمیده از خانواده بزرگان غیر عرب بود. ابو عبدالله الصادق علیه السلام به بانوان امر می فرمود که در احکام به وی رجوع نمایند. در کتاب جواهر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که عبدالرحمن بن حجاج از آن حضرت سؤال کرد: در اینجا [مکه] فرزندی به دنیا آمده است، وظیفه چیست؟ حضرت فرمود: به کنیزی بگو حمیده را ملاقات کند و از او سؤال کند که با پسرانشان (کودکانشان) در اینجا چگونه رفتار می کنند؟ کنیزک رفت و از حمیده سؤال کرد. حمیده گفت: «إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ فَأَخْرِمُوا عَنْهُ وَ جَرِّدُوا» (قمی، بی تا، ج ۲، ص ۶۴۹)؛ در روز ترویبه (روز هشتم ذیحجه) شما از جانب او نیت کنید و لباس دوخته را از او دور کنید (لباس احرام به طفل بیوشانید).

امام صادق علیه السلام هرگاه می خواست حقوق اهل مدینه را تقسیم کند آن را به دست

مادر خود و بانوی حرم خویش حمیده المصفاة می‌داد. (محلّاتی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۸)

علامه مامقانی این بانو را در زمره زنان راوی نام برده و سرگذشت خریداری او را ذکر کرده است. (مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۷۶) شیخ محلّاتی ذیل نام ام محمد - که کنیه حمیده مادر امام موسی الکاظم است - می‌گوید: «بانوی حرم امام موسی کاظم علیه السلام در اعیان الشیعه در ترجمه اسحق بن جعفر بن محمد علیه السلام آمده است و الظاهر ام احمد است که از پیش گذشت.» (محلّاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۳۹) در اعیان الشیعه ذیل نام اسحق بن جعفر بن محمد بن علی، آمده است: «أُمّه حمیده البربریه و هی أُم إخوانه موسی الإمام و محمد الدیاج.» (امین، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۶۸)

با مطالعه کتب انساب درمی‌یابیم: امام صادق فرزندی به نام احمد نداشته، بلکه احمد فرزند امام کاظم است. اشتباهی در گفتار شیخ محلّاتی رخ داده است. بنابراین، ام محمد همان حمیده البربریه، بانوی حرم امام صادق، و مادر امام کاظم علیه السلام است. در شرح حال ام احمد بن موسی بن جعفر علیه السلام، با دقت بر حدیث کافی (در کتاب الحجة)، به دست می‌آید که ام احمد زوجه (مادر فرزند) امام کاظم علیه السلام است که از امام صادق علیه السلام روایت کرده و ابوبصیر از او روایت کرده است.

احادیث

شیخ صدوق به سند خود از ابوبصیر روایت می‌کند که گفت: بر حمیده مصفاة وارد شدم تا وفات همسرش امام صادق علیه السلام را تسلیت گویم. گریه کردم و [او هم] گریه کرد و گفت: «یا ابا محمد! لو أنّک رأیت ابا عبد الله عند الموت لرأیت عجباً، فتع عینیّه ثمّ قال: اجتمعوا لی کلّ من ینبئ و ینبئ قرأته قالت: فلم تشرک أحداً إلا جمعناه، قالت: فنظرت إلیهم ثمّ قال: إنّ شفاعتنا لا تنال مستحقاً بالصلاة» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ق، ص ۵۱۵، باب عقاب من استخف بصلاته)؛ ای ابو محمد! اگر امام صادق علیه السلام را قبل از رحلتش می‌دید، از

حال آن حضرت تعجب می کردی. با همان حال چشمانش را گشود و فرمود: بستگانم را صدا کنید تا جمع شوند. همه فامیل آن حضرت را جمع کردیم. آن حضرت به ایشان نگریست و فرمود: هر که نماز را سبک شمارد شفاعت ما به او نمی رسد.

حمیده درباره ولادت فرزند گرامی اش موسی بن جعفر می گوید: «إِنَّهُ لَمَّا سَقَطَ رَأْسُهُ وَاضِعًا يَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ وَرَأْسُهُ إِلَى السَّمَاءِ...» (مسعودی، بی تا، ص ۱۵۹)؛ هنگامی که متولد شد، دست هایش را بر زمین گذاشت و سرش را به سوی آسمان بلند کرد.

ابو بصیر نقل می کند: همراه امام صادق علیه السلام بودم در سالی که فرزندش موسی علیه السلام متولد شد. هنگامی که به منطقه ابواء رسیدیم، امام علیه السلام برای ما و اصحابش غذا آورد. در حالی که مشغول خوردن غذا بودیم پیک حمیده آمد و گزارش کرد که حمیده گفت: درد زایمان مرا گرفت (بچه متولد شد) و به من دستور داده شده که در نام گذاری او بر شما پیشی نگیرم. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۵، ص ۴۲، ح ۱۷)

۷. نَجْمِیَه (اُمُّ الْبَنِّیْنِ)، مادر امام رضا علیه السلام

سکن النوبیّه، ام ولد حضرت موسی الکاظم علیه السلام و مادر امام رضا علیه السلام است. کنیه اش ام البنین (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۸۶ / مفید، ۱۳۹۹ ق، ص ۳۰۴ «۲۱۶ متن» / ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۷ خبر اللوح) و به نام های اُروی، نَجْمِیَه، سَمَانَه، تُكَمَّم و خیزران نامیده شده و به شقراء ملقب گردیده است. هنگامی که امام رضا علیه السلام را به دنیا آورد، طاهره نام گرفت. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۴-۲۶ «۱۴» و ۱۶ اصل متن» / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹، ص ۳ و ۶) صاحب کشف الغمّه می نویسد: نام مادر امام رضا علیه السلام، خیزران مرسیه ام ولد، و شقراء النوبیه و نیز اروی ام البنین نیز گفته اند. (اربلی، ۱۴۰۱ ق، ج ۳، ص ۱۱۳)

فضایل

شیخ صدوق به اسناد خود حدیثی درباره وی نقل کرده است که ترجمه مضمون آن چنین است: حمیده المصفا، مادر امام موسی بن جعفر علیه السلام، کنیزی - که از اشراف عجم بود و در بین عرب‌ها متولد شده و با فرزندان آنها رشد و نمو کرده و نزد ایشان تربیت شده بود - خریداری و آن را به فرزندش موسی علیه السلام هدیه کرد و به آن حضرت گفت: کنیزی برتر از این ندیده‌ام و شکی نیست که خداوند متعال به زودی نسل وی را آشکار خواهد ساخت. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۴ «۱۴» اصل متن)

شیخ صدوق همچنین حدیث دیگری به اسناد خود از علی بن میثم از پدرش نقل می‌کند که ترجمه مضمون آن چنین است: هنگامی که حمیده مادر موسی بن جعفر علیه السلام، نجمه، ام الرضا علیه السلام را - که کنیزی بود - خریداری کرد، پس از آن رسول الله صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او فرمود: ای حمیده، نجمه را به فرزندت موسی هدیه کن؛ زیرا او بهترین خلق روی زمین را به دنیا خواهد آورد. حمیده، نجمه را به فرزندش بخشید. سپس علی بن میثم گوید: از پدرم و او هم از مادرش شنیده بود که نجمه هنگامی که حمیده او را خرید، دوشیزه بود. (همان، ص ۲۶)

ارزش و مقام ام‌البین (نجمه) نزد خداوند متعال، از موقعیتی که به او عطا فرمود و او را در کنار امام و مادر امام علیه السلام قرار داد، روشن و آشکار می‌شود. این شرف و افتخار او را بس که مادر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است. وی زنی بسیار پارسا و متقی و از راویان فرزندش امام رضا علیه السلام بود و جدّه علی بن میثم از این بانو روایت کرده است.

احادیث

شیخ صدوق به اسناد خود از علی بن میثم از پدرش و او از مادرش (یعنی جده علی بن میثم) نقل کرده است که گفت: «سَمِعْتُ نَجْمَةَ أُمِّ الرِّضَاءِ علیها السلام تَقُولُ: لَمَّا حَمَلْتُ بِإِبْنِي عَلِيٍّ لَمْ أَشْعُرْ بِثِقَلِ الْحَمْلِ، وَكُنْتُ أَسْمَعُ فِي مَنَامِي تَسْبِيحاً وَتَهْلِيلًا وَتَمْجِيداً مِنْ بَطْنِي فَيُفَرِّعُنِي ذَلِكَ وَيَهْوِلُنِي فَإِذَا انْتَبَهْتُ لَمْ أَسْمَعْ شَيْئاً، فَلَمَّا وَضَعْتُهُ وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ وَأَضَعَا يَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ رَافِعاً رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ يَحْرُكُ شَفَتَيْهِ كَأَنَّهُ يَتَكَلَّمُ فَدَخَلَ إِلَيَّ أَبُوهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ لِي: هَنِيئاً لَكَ يَا نَجْمَةُ كِرَامَةِ رُكَبٍ. فَنَاقَلْتُهُ إِيَّاهُ فِي خِرْقَةٍ بَيْضَاءَ فَأَذَّنَ فِي أُذُنِهِ الْأَيْمَنِ وَأَقَامَ فِي الْأَيْسَرِ وَدَعَا بِمَاءِ الْفُرَاتِ فَحَنَكَهُ بِهِ، ثُمَّ رَدَّهُ إِلَيَّ فَقَالَ: خُذْهُ فَإِنَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَرْضِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۹)؛ شنیدم نجمه، مادر امام رضا علیه السلام، می‌گفت: هنگامی که به فرزندم علی حامله شدم، سنگینی بارداری را حس نمی‌کردم و در خواب صدای تسبیح و تعریف و تمجید خداوند را از درون شکمم می‌شنیدم که مرا ترسانده بود. هنگامی که متوجه شدم حامله هستم، چیزی نمی‌شنیدم. چون به دنیا آمد، دست‌هایش بر زمین گسترده و سرش به طرف آسمان بلند بود و لبانش تکان می‌خورد و گویا سخن می‌گفت. پدرش موسی بن جعفر وارد شد و به من فرمود: گوارا باد بر تو کرامت پروردگارت ای نجمه! او را در پارچه سفیدی پیچیدم و امام علیه السلام در گوش راست (مولود) اذان گفت و در گوش چپ اقامه، و آب فرات خواست و آن را به سقف و اطراف دهان مولود مالید و پس از آن او را به من بازگرداند و فرمود: بگیر او را که نماینده خداوند متعال در زمین است.

۸. خیزران، مادر امام جواد (علیه السلام)

خیزران، مادر امام محمد بن علی، جواد (علیه السلام) از خانواده ماریه قبطیه (مادر ابراهیم بن رسول الله ﷺ) و اهل نوبه* است، و او را سبیکه نوبیه نامیده‌اند و کنیه‌اش ام‌الحسن است و نام‌های دیگر وی را مریسیه، ریحانه و دزه ذکر کرده‌اند. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۹۲ / ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۷، خبر اللوح / مفید، ۱۳۹۹، ق، ص ۳۱۶ / مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۵۰، ص ۷ و ۱۱ / قهپایی، بی تا، ج ۷، ص ۱۷۴ و ۱۸۸) اهل نوبه مسیحی بودند و به دنبال شکست ایشان از مسلمانان، سبیکه (خیزران) در زمره اسرا به عنوان برده فروخته شد، و مادر فرزند امام رضا (علیه السلام) گردید.



فضایل

خیزران از برترین و فاضل‌ترین و پرهیزگارترین زنان عصر خویش به شمار می‌رفت، و این شرافت و مقام را یافت که همسر امام رضا و مادر امام جواد (علیه السلام) شود. این موقعیت نشانگر منزلت و ارزش او در درگاه الهی است؛ زیرا چنین مرتبه‌ای را نصیب هر فردی نمی‌کند.

رسول خدا ﷺ درباره او و فرزندش فرمود: «يَا بِيْ بْنِ خَيْرَةٍ اِلَا مَاءُ التَّوْبَةِ الطَّيِّبَةِ» (محلّاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۲)؛ پدرم فدای پسر بهترین کنیزان، که اهل نوبه و پاکیزه و مطهر است. موسی بن جعفر (علیه السلام) نیز به یزید بن سلیط فرمود: اگر توانستی سلام مرا به آن جاریه برسان. (همان)

* نوبه ولایتی از زنگبار (برهان قاطع) ولایتی از بلاد سودان، کنار رود نیل، که در حال حاضر بخشی از آن جزء مصر و بخش دیگر جزء سودان است. (لغت نامه دهخدا) فضّه خادم حضرت زهرا (علیه السلام) نیز از همین سرزمین بوده است.

خیزران از زنان راوی حدیث معرفی شده است. (قهپایی، بی تا، ج ۷، ص ۱۷۴) حدیثی به نقل از خیزران یافت نشد، لیکن او که در کنار امام علی بن موسی و حامل و مادر امام محمد بن علی الجواد علیه السلام بوده، بدون شک مطلبی از قول یا فعل امام علیه السلام نقل کرده، اما به دست ما نرسیده است.

۹. سمانه، مادر امام هادی علیه السلام

سمانه منقرش مغربی مادر امام علی بن محمد، هادی علیه السلام، ام ولد، مکنی به ام الفضل است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۹۷، کتاب الحجة، باب مولد ابی الحسن علی بن محمد علیه السلام / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۱۴ و ۱۱۵ / مفید، ۱۳۹۹، ق، ص ۳۲۷ / قهپایی، بی تا، ج ۷، ص ۱۸۸ و ۱۷۶ / امین، ج ۲، ص ۲۶) به فرمان امام جواد علیه السلام، با مشخصات تعیین شده اش از برده فروشی خریداری شد. سمانه از بزرگ زادگان سرزمین خویش بود، اما به عنوان اسیر جنگی به سلک برده درآمد بود.

فضایل

سمانه از برترین و بهترین زنان زمان خویش بود و کسی از زنان در زهد و تقوا به پای او نمی رسید. بیشتر ایام را روزه بود و این شرف و فضیلت را یافت که همسر امام جواد و مادر امام هادی علیه السلام شود. امام علیه السلام درباره اش فرمود: «أُمَّةٌ عَارِفَةٌ بِحَقِّي وَهِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، لَا يَقْرُبُهَا شَيْطَانٌ مَرَّةً وَلَا يَنَالُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَهِيَ كَانَتْ بِعَيْنِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَلَا تَخْتَلِفُ عَنْ أُمَّهَاتِ الصِّدِّيقِينَ وَالصَّالِحِينَ» (محلّاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۳)؛ برده ای عارف به حق من (حق امامت) است؛ یعنی مقام و شأن امامت را درک کرده است. اهل بهشت است. شیطان سرکش به او راهی ندارد و نزدیکش نمی شود و مکر و حيله جبار سرکش به سمانه نمی رسد، تحت نظر الهی است و غفلت در او راهی ندارد و با مادران صدیق و صالح فرقی ندارد.

سمانه در زمره زنان راوی حدیث نام برده شده است. (قهپایی، بی تا، ج ۷، ص ۱۷۶) با توجه به اینکه سمانه همسر و مادر امام بود، بدون شک مطلبی از گفتار یا کردار ایشان نقل کرده است.

۱. سوسن، مادر امام عسکری علیه السلام

سوسن، مادر امام حسن عسکری علیه السلام است و نام‌های دیگری از جمله حدیث، حدیثه و سلیل برای وی ذکر کرده‌اند. این بانو ام ولد بوده است. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۶۱ / مفید، ۱۳۹۹، ص ۳۳۵ / مسعودی، بی تا، ص ۲۰۵ / اربلی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۲۷۱ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۳۷ / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۲۱) شیخ صدوق به نقل از جابر در خصوص خبر لوح فاطمه علیها السلام می‌گوید: در آن لوح نام ائمه و مادرانشان ذکر شده، و نام مادر امام حسن عسکری، سمانه با کنیه ام‌الحسین قید شده است. (ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۷)

وی همچنین می‌نویسد: هنگامی که خبر رحلت امام عسکری علیه السلام به مدینه رسید، مادرش، حدیث (ام ابی محمد علیه السلام) از مدینه به طرف «سُرْمَن رَای» حرکت کرد. جعفر کذاب برادر امام حسن عسکری علیه السلام بر سر امر امامت و ارت‌گرفتاری‌های فراوانی به وجود آورد و ارثی را که مال او نبود، طلب می‌کرد و از مادر امام عسکری علیه السلام نزد سلطان بدگویی کرد. (همان، ج ۲، ص ۴۷۴ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۳۳۱)

تاریخ وفات این بانوی بلندمرتبه به درستی معلوم نیست، اما پس از رحلت فرزندش، امام حسن عسکری علیه السلام، یعنی پس از سال ۲۶۰ قمری زنده بوده است و وصیت کرده بود که او را در خانه‌شان در کنار همسر و فرزندش (امام علی بن محمد و حسن بن علی) دفن کنند، اما جعفر مانع می‌شد و می‌گفت: این خانه، خانه من است. امام زمان (عج) بر او ظاهر شد و فرمود: جعفر! این خانه، خانه توست؟ سپس از نظر غایب گردید. (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۲، ش ۱۵)

فضایل

مادر امام حسن عسکری علیه السلام بانویی در نهایت ورع و تقوا و عفاف و صلاح بود. امام هادی علیه السلام درباره اش فرمود: «سَلِيلٌ مَسْلُوكَةٌ مِنَ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالْأَرْجَاسِ وَالْأَذْنَانِ» (مسعودی، بی تا، ص ۲۰۵)؛ سلیل از بدی ها، پلیدی ها، زشتی ها و ناپاکی ها و آلودگی ها پاک است.

امام حسن عسکری ضمن وصیت به مادرش میراث خود را میان وی و برادرش جعفر تقسیم نمود و وصیتش را نزد قاضی ثبت کرد. مادر مدعی وصیت آن حضرت بود و این امر نزد قاضی ثابت شد. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۶۲ / ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۴۳)

مقام و فضیلت این بانوی گرامی از روایتی که شیخ صدوق از احمد بن ابراهیم از حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام نقل کرده، آشکار است.

احمد بن ابراهیم گوید: از حکیمه خاتون پرسیدم: امروز که امام حسن عسکری از دنیا رفته، شیعه به چه کسی روی آورد؟ فرمود: به جده، مادر امام (ابو محمد) صلوات الله علیه (مادر امام عسکری). (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۵۰۱ ش ۲۶، باب خامس و اربعون و ص ۵۰۷ ش ۳۶ همان باب)

بنابراین، این بانوی گرامی و عابد و متقی واسطه میان امام علیه السلام و امت، و وصی امام علیه السلام بود و چنین مقامی، بسیار بالا و عظیم، و مختص ائمه علیهم السلام است که به سبب موقعیت زمان و صِغَرِ سِن و غیبت صغرای حضرت حجة بن الحسن - سلام الله علیه - شامل حال جده (مادر امام حسن عسکری علیه السلام) شد.

مولی قهپایی او را با نام حدیثه در زمره زنان راوی نام برده است. (قهپایی، بی تا، ج ۷، ص ۱۷۳) شیخ محلاتی می نویسد: سوسن در ولایت خود پادشاهزاده بود. (محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۴)

از مادر امام عسکری علیه السلام حدیثی یافت نشد، لیکن بدون شک این بانوی گرامی که وصی، مادر و همسر امام بوده حدیثی نقل کرده است.

۱۱. نرجس، مادر حضرت قائم (عج)

نرجس مادر امام حجة بن الحسن (القائم) علیه السلام و زوجه ابی محمد، امام حسن عسکری علیه السلام، و نامش ملیکه دختر یشوعا بن قیصر پادشاه روم است. مادرش از فرزندان حواریون منسوب به شمعون وصی حضرت مسیح علیه السلام است. (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۳ و ۴۲۰ / طوسی، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۳۵)

نام‌هایی که برای این بانوی گرامی ذکر شده، عبارتند از: ریحانه، نرجس، صقیل،* سوسن، صیقل و مریم بنت زید العلویه (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۲ / قهپایی، بی تا، ج ۷، ص ۱۸۹ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۰، ص ۳۳۱) و کنیه اش ام محمد بن حسن است. وی در سلک اسیران از روم به بغداد آمده بود و او را از برده فروشی خریداری کردند. از این رو، این بانوی محترم به عنوان جاریه (کنیز)، و ام ولد نیز معرفی شده است. در حدیثی که صندوق از جابر، صحابی معروف رسول الله صلی الله علیه و آله، از لوح یا صحیفه حضرت فاطمه علیها السلام نقل می‌کند، درباره نام مادر حجة بن الحسن می‌نویسد: «أُمُّه جَارِيَةٌ، إِسْمُهَا نَرْجِس» (ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۷)**

حضرت نرجس علیها السلام در حیات ابومحمد امام حسن عسکری علیه السلام، (یعنی پیش از ربیع الاول سال ۲۶۰ ق. زمان رحلت امام عسکری علیه السلام) در سامرا رحلت کرد. (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۵۱، ص ۵) لکن محلاتی می‌نویسد: در سنه ۲۶۱ ق. و در پشت سر امام عسکری مدفون گردید و صندوق او در زیبایی ظاهر و آشکار است. (محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۶)

* در نقل علامه مجلسی، این نام ذکر شده است.

** در این حدیث نام ائمه اطهار علیهم السلام و مادرانشان ذکر شده است.

فضایل

ملیکه در خواب دید که حضرت مسیح علیه السلام و شمعون (وصی عیسی علیه السلام) و جمعی از حواریون به قصر قیصر وارد شدند و بر تختی قرار گرفتند. پس از آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله با عده‌ای از فرزندان‌شان داخل قصر شدند و پس از مُعَانِقَه با مسیح علیه السلام، به ایشان فرمودند: آمده‌ام تا دختر شمعون را برای فرزندم (امام حسن عسکری علیه السلام) خواستگاری نمایم. پس از قبول شمعون، رسول‌الله صلی الله علیه و آله ملیکه را به عقد فرزند خویش، امام عسکری علیه السلام درآوردند.

ملیکه بیمار شد و پزشکان روم از معالجه او مأیوس شدند. قیصر از وی خواست چنانچه آرزویی دارد بگوید، شاید کمکی برای بهبود او باشد. ملیکه گفت: من امیدی ندارم، لیکن اگر شکنجه و عذاب اسیران مسلمان را متوقف نمایی و زنجیر از گردن ایشان برداری و آنها را آزاد کنی، ممکن است حضرت مسیح و مادرش مریم بر من لطفی نمایند و مرا عاقبت بخشند. قیصر چنین کرد و ملیکه اظهار بهبودی نمود.

پس از آن، ملیکه چهار شب در خواب دید که سیده نساء، حضرت زهراء علیها السلام با مریم علیها السلام با هزاران حوری بهشتی به دیدنش آمدند، و ملیکه تشهد گفت و به دین اسلام مشرف شد. سپس ابو محمد، امام عسکری علیه السلام شب‌ها به خواب ملیکه می‌آمد و شبی به او فرمود: جَدَّت (قیصر) لشکری به طرف مسلمانان خواهد فرستاد؛ تو به همراه چند کنیز در زمره خدمت‌کاران برو.

پس از شکست لشکر روم، ملیکه در سیلک اُسرا به بغداد برده شد. امام علی النقی علیه السلام فردی به نام بشر بن سلیمان نَحَّاس* را برای خریداری ملیکه به بغداد گسیل داشت.

داستان چگونگی خرید ملیکه (نرجس) و آنچه این بانوی گرامی برای بشر بن

* نَحَّاس به معنای برده فروش است یا کسی که در این کار تبخّر دارد.

سلیمان نقل کرده، بسیار طولانی است و برای رعایت اختصار از ذکر آن صرف نظر می‌شود. (ر.ک: ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۹-۴۲۲ / محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۸ و ۲۹ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۷)

بشر گوید: چون او (نرجس) را به خدمت امام علی النقی علیه السلام بردم، حضرت به او فرمود: خداوند عزت اسلام و ذلت مسیحیت و شرف اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله را چگونه به تو نشان داد؟ نرجس گفت: چگونه وصف کنم ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی را که شما بهتر از من آگاه هستید. حضرت علیه السلام فرمود: می‌خواهم تو را اکرام کنم و گرمی دارم، کدام یک بهتر است: ده هزار درهم یا بشارت شرف ابدی؟ نرجس گفت: بشارت را می‌خواهم. حضرت علیه السلام فرمود: بشارت باد تو را به فرزندی که پادشاه مشرق و مغرب شود و زمین را پر از عدل و داد کند، بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد. نرجس گفت: از چه کسی باشد؟ امام علی النقی علیه السلام فرمود: از کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را در فلان شب از فلان ماه و در فلان سال خواستگاری نمود. نرجس گفت: از مسیح و وصی اش؟ سپس حضرت علیه السلام از او پرسید که حضرت مسیح و وصی اش تو را به ازدواج چه کسی درآوردند؟ نرجس گفت: برای فرزندان ابو محمد. حضرت علیه السلام فرمود: او را می‌شناسی؟ نرجس عرض کرد: از شبی که به دست بهترین زنان، سیده نساء (فاطمه زهرا) مسلمان شدم، شبی نگذشته است که او به دیدن من نیامده باشد.

سپس ابوالحسن، امام علی النقی علیه السلام، خواهرش حکیمه را خواست و فرمود: او را به منزل خود ببر و آداب فرایض و احکام شرع به او تعلیم نما، که او زوجه ابو محمد و مادر قائم علیه السلام است. (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۳ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۱۰ / طوسی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸)

بنابراین، این بانوی مکرم نزد خداوند مقام بالایی داشته که چنین شرف و منزلتی یافته است. نرجس بسیار با عفت و پرهیزگار بود. برای او این مقام و مرتبه کافی است

که مادر صاحب الزمان، آخرین حجت خدا و برپادارنده قسط و عدل است. نرجس حامل اسرار الهی و نگاه‌دارنده اشرف مخلوقات بوده است.

برای این مادر با سعادت، والده حضرت قائم علیه السلام، زیارت نقل نموده‌اند که در آن صفاتی از این طیبیه ذکر شده است؛ از جمله: «السَّلامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا الصَّديقَةُ المَرْضِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا الرُّضِيَّةُ المَرْضِيَّةُ...» (مفاتیح الجنان، زیارت والده حضرت قائم علیه السلام)؛ سلام بر تو ای بانویی که راستگو و مورد رضای خدا هستی. سلام بر تو ای بانویی که متقی و پاکیزه هستی. سلام بر تو ای بانویی که راضی هستی و خدا از تو خشنود است.

حدیثی که نرجس از امام علیه السلام نقل کرده باشد و شرایط تحمل حدیث را دارا باشد، یافت نشد و آنچه بشر بن سلیمان از نرجس از کلام امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند، در خواب بوده است. اما بدون شک، حضرت نرجس از همسرش و یا فرزندش (قائم) مطلبی نقل کرده است.

نتیجه

ایمان، عبادت، اطاعت از حق تعالی و ولی او، خلوص در عبودیت، تسلیم در برابر امر الهی، عشق به الله، تربیت فرزند و فداکاری در راه عقیده از ویژگی‌های مشترک مادران ائمه علیهم السلام است. دقت در شرح حال و زندگانی ائمه علیهم السلام گویای تأثیر این صفات در آن بزرگواران است.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، چاپ دوم، ۱۳۷۸-۱۳۸۳ هـ ق.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد جزری، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، احمد ابراهیم البنا - محمد احمد عاشور، چاپ اول (۷ ج، قاهره، دار الشعب)، چاپ دوم (۵ ج، بیروت، دار احیاء التراث العربی)، بی تا.
۳. ابن الذبیع الشیبانی، عبدالرحمن بن علی، تیسیر الوصول الى جامع الأصول من حدیث الرسول ﷺ؛ ۴ ج، بی جا، بی تا، بی تا.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، ترجمه کمره ای، تهران، کتابخانه اسلامیه، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۲ ش.
۵. _____، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه علی اکبر غفاری؛ چاپ هفتم، تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳ ش.
۶. _____، علل الشرائع، نجف، مکتبه حیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۷. _____، عیون اخبار الرضا، تصحیح و تعلیق حسین الأعلمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
۸. _____، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، ۲ ج، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تفریب التهذیب، بیروت، دارالمعرفه للطباء والنشر، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م.
۱۰. _____، تهذیب التهذیب، ۱۲ ج و ۶ ج، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۲۵ و ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م.
۱۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ۶ ج، بیروت، دار صادر، بی تا.
۱۲. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسة العامة للنشر، ۱۳۷۹.
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، قم، تحقیق مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، نجف، المکتبه المرتضویه، ۱۳۶۱ ق.

۱۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، ۴ ج، مصر، بی نا، بی تا.
۱۶. ابن عبدربه، احمد بن محمد، العقد الفريد، تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.
۱۷. ابن قتیبه الدینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة، تصحیح و شرح محمد محمودالرافعی، مصر، مطبعة النيل، ۱۳۲۲ ق.
۱۸. ابونعیم، فضل بن دکیم (احمد بن عبدالله اصفهانی)، حلیة الاولیاء، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ ق.
۱۹. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة عن معرفة احوال الأئمة و اهل بیت العصمة، ۳ ج، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ ق.
۲۰. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، ۱۱ ج، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، رجال برقی، نسخه خطی، شماره ۱۸ / ۶۹۵۵ کتابخانه مرکزی ۴۹ دانشگاه تهران. و انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۸۵۷ (همراه رجال ابن داود حلی)، ۱۳۴۲.
۲۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۲ ج، مصر، مکتبه و مطبعه مصطفی البابی، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ق / ۱۹۶۸ م.
۲۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۴ ج، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۰ م.
۲۴. حلی، ابن بطریق، عمدة الطالب (العمدة)، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. خویی، ابوالقاسم، معجم الرجال الحديث، قم، مدينة العلم زینت العلم، چ پنجم، بی تا.
۲۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، مصطفی حسین احمد؛ ۴ ج، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م.
۲۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۶ ج، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۰ م.
۲۸. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، تخریج محمد بن فتح الله بدران، قم،

- منشورات الشريف الرضى، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.
۲۹. صفار قمى، محمد بن الحسن بن فروخ، بصائر الدرجات، تصحيح و تعليق ميرزا محسن كوچه باغى التبريزى، قم، منشورات مكتبة آية الله مرعشى، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. طبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق حمى عبدالمجيد السلفى، ۲۵ ج، چاپ اول (قاهره، مكتبة ابن تيمية)، چاپ دوم (بيروت، داراحياء التراث العربى)، ۱۴۰۴ ق.
۳۱. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ طبرى، ۵ ج، بيروت، مؤسسة الاعلمى، بى تا.
۳۲. _____، دلائل الامامة، نجف، المطبعة الحيدرية، ۱۳۶۹ ق / ۱۹۴۹ م.
۳۳. طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.
۳۴. _____، كتاب القية، چاپ اول (سنگى، تبريز، ۱۳۲۳-۱۳۲۴ ق). چاپ دوم (نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۸۵ ق)
۳۵. طهرانى (آقا بزرگ)، محمد محسن، الذريعة الى تصانيف الشيعة، بيروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۳۶. علوى عمرى، ابوالحسن على بن محمد بن على، المجدى فى انساب الطالبين، قم، مطبعة سيدالشهداء، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. قمى، عباس، سفينة البحار و مدينة الحكم والآثار، بيروت، مؤسسة الوفاء، بى تا.
۳۸. قندوزى، سليمان بن ابراهيم الصنفى، ينابيع المودة، قم، نشر دارالكتب العراقية، كاظميه و مكتبة المحمى، چاپ هشتم، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۹۶ م.
۳۹. قهپايى، عناية الله بن على، مجمع الرجال، ۷ ج، قم، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، بى تا.
۴۰. كاتب واقدى، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۹ ج، بيروت، دارصادر، بى تا.
۴۱. كاندهلوى، محمد يوسف، حياة الصحابة، بيروت، دارالفكر، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م.
۴۲. كحاله، عمر رضا، اعلام النساء فى عالمى العرب و الاسلام، ۵ ج، بيروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
۴۳. كلينى رازى، محمد بن يعقوب، الكافى، على اكبر غفارى، ۷ ج، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش.
۴۴. كوفى، فرات بن ابراهيم بن فرات، تفسير فرات الكوفى، نجف، مطبعة حيدريه، بى تا.

۴۵. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، تنقیح المقال فی علم الرجال، ۳ ج، نجف، ۱۳۵۲ ق.
۴۶. میزد، محمد بن یزید، رغبة الأمل من کتاب الکامل (الکامل میزد)، تهران، اسدی، ۱۹۷۰ م.
۴۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ۱۱۰ ج، مؤسسه الوفاء بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۸. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، ۶ ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ ش.
۴۹. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، نجف، مکتبه مرتضویه، بی تا.
۵۰. مفید، محمد بن محمد بن النعمان، الارشاد، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۳۹۹ ق.
۵۱. نوری طبری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ۳ ج، تهران، مکتبه اسلامیه، بی تا و مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۷ ق.
۵۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، تحقیق عبدالامیر نهنا، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.